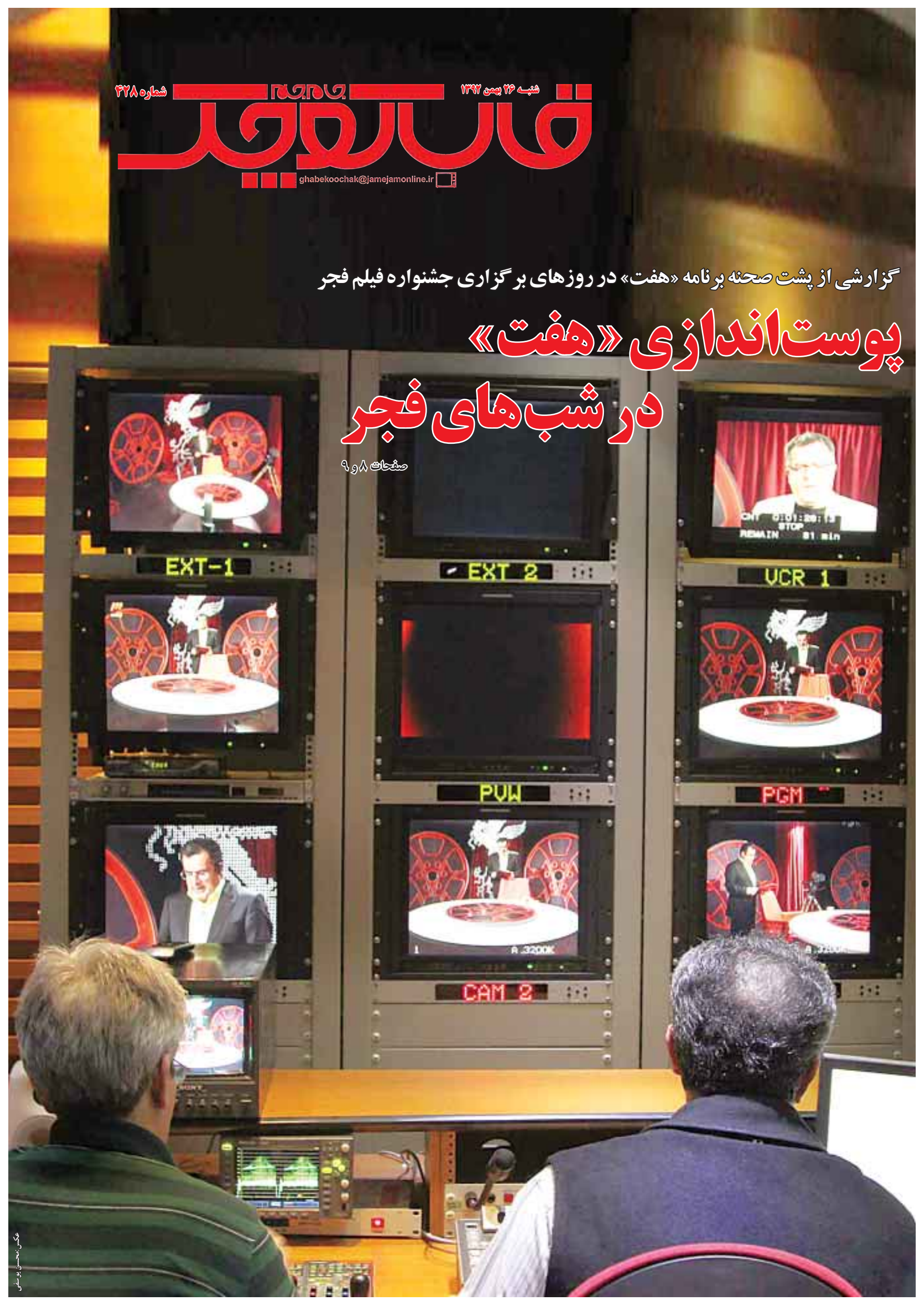


گزارشی از پشت صحنه برنامه «هفت» در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر

پوست اندازی «هفت» در شب‌های فجر

صحنات ۹ و ۸



قاعده و استثنا در فیلم تلویزیونی

علی افشار

در سال‌های اخیر، تولید فیلم‌های تلویزیونی برای بخش از شبکه‌های مختلف سینما، دستاوردهای مثبتی برای فعالان سینما و تلویزیون داشته است. تا مین فیلم‌های ایام تعطیل و عمدتاً آخر هفته‌های سینما با استفاده از فیلم‌های تلویزیونی، از یک سو به میدان رقابت همه فعالان در عرصه فیلمسازی بدل شده و از سوی دیگر، تحت قضاوت قرار گرفتن این آثار در جشن‌ها و جشنواره‌ها، تلاش برای ارتقای کیفی این بخش برنامه‌سازی در تلویزیون را به همراه داشته است.

تولید فیلم تلویزیونی، هم به زمینه‌ای برای کشف و میدان دادن به فیلمسازان تازه کار پشت دوربین فیلمسازی بدل شده و هم فضای مساعدی را برای فعالیت بسیاری از فعالان در سینما و تلویزیون و بویژه بازیگران به وجود آورده است. اما این که در بین هنرمندان، کارشناسان و جامعه رسانه‌ای، تا چه میزان شناخت نسبت به فیلم تلویزیونی وجود دارد و این شناخت تا چه اندازه در ایجاد ذهنیت برای مخاطبان سینما و تلویزیون کمک کرده است، موضوعی است که باید پیش از این به آن پرداخت تا بتوان شأن و جایگاه تله‌فیلم‌سازی را حفظ کرد.

طی هفته گذشته و در ایام پرباری جشنواره فیلم فجر، بارها و بارها می‌شد این جمله را در نقد و ارزیابی برخی از آثار این دوره از جشنواره از زبان برخی منتقدان و کارشناسان شنید که «این فیلم در حد یک تله‌فیلم است و نه فیلم سینمایی» یا «ضعف موجود در این فیلم، آن را تا حد یک فیلم تلویزیونی تنزل داده است!» حال این پرسش به میان می‌آید که چرا باید جایگاه فیلم تلویزیونی را با یک فیلم سینمایی ضعیف، یکسان دانست؟ آیا تفاوت فیلم بصری و روایی خلاصه می‌شود یا هر فیلم بد و سردستی را می‌توان تله‌فیلم نامید؟

ظاهراً مشکل از اشتباه در مقایسه است، چرا که ذهنیت بسیاری از کارشناسان و اهالی رسانه (بویژه آنها که همه فیلم‌های تلویزیونی را ندیده‌اند) را آن دسته از فیلم‌های تلویزیونی که در قالب سی‌دی‌های شبکه نمایش خانگی به بازار آمده و غالباً از کیفیت متوسطی برخوردار است، به این سو برده که همه فیلم‌های تلویزیونی، از نظر کیفی مشکل دارد و با همین متر و معیار، در نقدها و نوشته‌ها، این پدیده معاصر تلویزیونی در رده فیلم‌های ضعیف یا فیلم‌هایی که از نظر فرم و محتوا حرفی برای گفتن ندارد، قرار گرفته است.

همان‌طور که در ابتدای این سطور اشاره شد، ساخت فیلم‌های تلویزیونی امروزه برای بسیاری از علاقه‌مندان به سینما، یک فرصت است و بسیاری از فیلمسازان ما نیز کار خود را از تلویزیون شروع کرده‌اند، به طوری که در جشنواره امسال فیلم فجر نیز می‌شود بر اساس آمار فیلم‌های پذیرفته شده در بخش‌های مختلف این رویداد سینمایی، حضور فعال کارگردانی را که از تلویزیون شروع کرده‌اند، به وضوح دید. ضمن آن که بویژه در سال‌های اخیر، بسیاری از فیلم‌های تلویزیونی که از شبکه‌های مختلف روی آنتن رفته‌اند و در جشنواره‌های تخصصی تلویزیونی مطرح شده‌اند، به طور مستقل حرف‌هایی فراتر از فیلم‌های سینمایی فیلمسازان صاحب‌نام سینما داشته‌اند. شاید لازم باشد برای تحلیل فعالیت‌هایی که در عرصه فیلم‌های تلویزیونی شکل گرفته و البته با فراز و نشیب‌هایی هم همراه بوده است، استثناً از قاعده تفکیک کرد و همه سازندگان فیلم‌های تلویزیونی را مثل هم ندانست.

محمد رضا شهیدی فر / نقدهای پرسرودا



محمد رضا شهیدی فر از برنامه‌سازان و مجریان رسانه ملی همواره نسبت به سینمای ایران دغدغه داشته است. او علاوه بر این که در برنامه‌هایش همیشه گوشه چشمی به سینما داشته، در یکی دو سال اخیر مشارکت فعال تری هم در این زمینه از خود نشان داده است. شهیدی فر سال گذشته مجری جلسات پرسش و پاسخ فیلم‌های جشنواره فیلم فجر بود و امسال نیز قرار بود این اتفاق رخ دهد که این تصمیم عملی نشد. شهیدی فر البته جدای از اجرای این جلسات یا مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر، خود در دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تحصیل کرده است. او در روزهای برگزاری جشنواره امسال با پیگیری خاصی، فیلم‌های این دوره را تحلیل و ارزیابی کرد و انتقادات تند و تیزش درباره برخی فیلم‌ها (از جمله خانه پدری، خواب‌دها و...) در برنامه رادیویی «سودای سیمرخ» تیرت رسانه‌ها شد. او با نقد سوءاستفاده از باورهای مذهبی مردم در برخی فیلم‌ها، در یکی از این اظهارنظرها گفته بود: دست یازیدن به سینمایی که حیا و نجابت در آن معنا ندارد، باعث تأسف است. باعث حیرت بود که همه نجابت و حیای این نسل و نسل قبل را زیر سوال ببریم تا کمدی خلق کنیم و از عشق مثلی به عشق مربعی برسیم.

شبنم قلی‌خانی / همه دیده می‌شوند



شبنم قلی‌خانی که در فاز دوم سریال «سرزمین کهن» نقش همسر ری‌بازی می‌کند نقش خود را دارای معصومیتی خاص دانسته و آن را بکر توصیف کرده است. قلی‌خانی که در دو سال و نیم گذشته در سریال «اولین شب آرامش» بازی کرد، درباره این که با توجه به حضور بازیگران سرشناس و چهره در سرزمین کهن، تا چه میزان امکان و فرصت دیده شدن برای همه نقش‌ها فراهم است، گفت: قالب سریال یک ویژگی خوب دارد و آن این که قسمت به قسمت بخش می‌شود و در هر قسمت ممکن است چند سکانس مهم‌تر وجود داشته باشد که امکان دیده شدن را برای بازیگر فراهم کند، بعلاوه دیالوگ‌ها هم با هم تفاوت اساسی دارد. بازیگر سریال‌های «نردبام آسمان»، «پنجمین خورشید» و «پنج کیلومتر تا بهشت» در ادامه توضیح داد: متأسفانه گاهی بعضی بازیگران تلاش می‌کنند با بعضی حرکات اضافه یا اغراق آمیز تمرکز بیننده را از بازی بازیگر مقابل گرفته و به خودشان معطوف کنند؛ در حالی که این اصل دیگر منسوخ شده است. بیننده امروز بسیار فهیم است و همه این ریزه کاری‌ها را درک می‌کند.

سام درخشانی / کار خوب پول کمی دارد



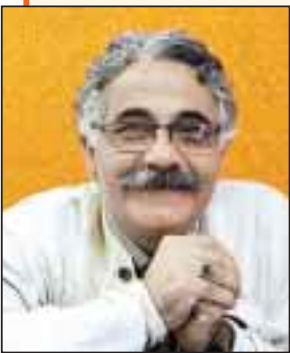
سام درخشانی که در سریال پرمخاطب «آوای باران» نقش نادر را بازی کرده درباره انتخاب نقش‌هایش گفت: بزرگی در کار ما گفته من از بابت نقش‌هایی که انتخاب کردم بزرگ نشدم، از بابت چیزهایی که رد کردم و انتخاب نکردم بزرگ شدم. چیزهایی که از ما می‌بینید در اصل یک صدم آن چیزی است که به ما پیشنهاد می‌شود. قطعاً وقتی کاری خوب تر نیست، پول بهتری دارد و کاری که خوب است پول کمتری دارد، تمام آن دو سه ماهی که من کار کردم و منتظر ماندم تا کار به من پیشنهاد شود، وقتی به دفترهای مختلف می‌رویم و حرف‌های مختلف می‌شنویم، اگر بخوایم تعداد هندوانه‌هایی را که زیر بغل مان می‌گذارند جمع کنیم، یک سال هندوانه شب یلدای همه ایران است. ولی از همه اینها می‌گذریم و منتظر می‌مانیم تا یک کار خوب پیشنهاد شود. این آنجایی است که خیلی من دوست دارم به آن برسیم. کسانی برای من جذاب هستند که می‌آیند و می‌گویند آقا ما بعد از چند سال داریم سریال نگاه می‌کنیم. من نسبت به تلویزیون خودمان یک عرق دارم. من از این تلویزیون آدم و همیشه دوست دارم تلویزیون خودمان پر بیننده باشد. سام درخشانی درباره تجربه در نقش یک آدم خلاق در سریال آوای باران گفت: الان شاید ممکن است پژمان جمشیدی را ببیند بگویند آقا تیم پیدا کردی؟ ماشین خریدی؟ ولی من را که می‌بینند دیگر نمی‌پرسند، فوری جیب‌هایشان را می‌گیرند که جیب‌شان را زنم!

روزبه حساری / زحمت برای بازیگر شدن



روزبه حساری، بازیگر نقش علی‌علایی که در سریال «یادآوری» اولین حضور تلویزیونی خود را تجربه و پیش از این در چند نمایش بازی کرده است، درباره اهمیت زیبایی بصری در بازیگر شدن گفت: وقتی وارد کار تئاتر شدم، یک برچسب به من زده شد. متأسفانه یک تفکر غلط میان برخی دوستان شکل می‌گیرد که بازیگر یا بازیگر است یا خوش‌چهره که این موضوع به دلیل ورود برخی بازیگران به سینمای ایران است که فقط خوش‌چهره بوده‌اند. این طرز فکر و مقابله که نمی‌دانم از کجا می‌جوشید من را در سال‌های اول فعالیتیم در تئاتر آذیت کرد. زیبایی نه ضامن بازیگر شدن است نه مانع آن، ولی من برای بازیگر شدن زحمت کشیدم. او که در سریال یادآوری نقش جوانی محکوم به اعدام را بازی می‌کند، در ادامه گفت: در دهه ۷۰، یکسری بازیگر چشم‌رنگی به سینمای ایران آمدند. آن زمان من مخاطب سینما و تلویزیون بودم و از این که چنین اصطلاحی درباره این بازیگران به کار می‌بردند، ناراحت می‌شدم، چون از نظر من، این واقعیت وجودی بازیگر است که چطور نقش‌هایش را ایفا می‌کند، اما بعدها متوجه شدم در مورد برخی بازیگران حق دارند این حرف را بزنند چون فقط به خاطر چهره یا حتی رنگ چشم‌شان وارد سینما شده‌اند، البته این هیچ ایرادی ندارد، ولی مهم این است که آن فرد باید تکنیک بازیگری را هم بیاموزد و بر این حرفه مسلط شود.

اقبال واحدی / بازگشت به صبح بخیر ایران



وقتی اسم «صبح بخیر ایران» می‌آید بسیاری از ما ناخودآگاه یاد صدای اقبال واحدی می‌افتیم که فریاد می‌زد صبح بخیر ایران و بعد چند نفر با لهجه‌های غیرتهرانی همین جمله را تکرار می‌کردند. واحدی سر ذوق می‌آمد و دوباره جمله‌اش را با صدایی بلندتر تکرار می‌کرد. محمد اقبال واحدی، مجری دهه ۷۰ برنامه تلویزیونی صبح بخیر ایران - که مدتی است تهیه و اجرای برنامه «سلام آبادی» را دارد - دوباره به این برنامه قدیمی برمی‌گردد. قرار است واحدی صبح روزهای پنجشنبه با بخش «با هم بگیریم بخندیم» دور ایران بگردیم» در این برنامه حضور پیدا کند. دوران طلایی صبح بخیر ایران به دهه ۷۰ برمی‌گردد که واحدی با سفر به نقاط مختلف ایران توانست تمام مردم ایران را در تلویزیون گرد هم جمع کند. این برنامه تنها برنامه صبحگاهی ایران در سال ۷۳ بود و اجراهای محمد اقبال واحدی از شهرهای مختلف به همه در اولین ساعات صبح انرژی می‌داد. تجربه بیدار شدن با برنامه‌ای تصویری و پرنشاط و دیدن چهره پر جنب و جوش اقبال واحدی برای مخاطبان صدا و سیما در آن سال‌ها بسیار جالب و هیجان‌انگیز بود.

حمید ابراهیمی / فاصله از نقش‌های منفی



حمید ابراهیمی که این روزها در مجموعه تلویزیونی «در بند آروند» مشغول ایفای نقش است، این سریال را فرصتی برای فاصله گرفتن از نقش‌های منفی می‌داند که چند سال اخیر ایفای آنها را به عهده داشته است. او که با مجموعه «صاحب‌دلان» به مردم معرفی شد و در مجموعه‌هایی مثل «زمانی برای عاشقی»، «مثل هیچ کس» و «گاوصندوق» بازی کرده است، درباره بازی در نقش سلمان در مجموعه در بند آروند گفت: من تا به حال در آثار مشابه اینچنینی زیاد بازی کرده‌ام، اما قصه در بند آروند را دوست داشتم؛ چرا که فکر می‌کنم وقایع آن بخوبی کنار هم چیده شده‌اند و بار دراماتیک دارد. ضمن این که من در دو سه سال اخیر معمولاً در نقش‌های منفی و خاکستری بازی داشته‌ام، اما در اینجا نقشم کاملاً مثبت است و به نوعی از آن فضا فاصله می‌گیرم. حمید ابراهیمی فروردین ۱۳۹۲ دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را از جشنواره فیلم‌های پلیسی مسکو برای تله‌فیلم «تعبیر خواب» دریافت کرد.



ستایش در ۲ دهه بعد

نگاهی به فراز و فرودهای ادامه‌سازی مجموعه تلویزیونی ستایش که روی آنتن شبکه ۳ رفته است

مریم‌رها

سری دوم مجموعه تلویزیونی «ستایش» که سری اول آن حدود سه سال پیش از تلویزیون پخش شد، از اواخر دی‌ماه امسال از شبکه سه سیمای تهران آنتن رفت تا باز هم مخاطبانش را با خود همراه کند. سریال ستایش ۲ جمعه شب‌ها ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه از این شبکه پخش می‌شود و بازپخش آن شنبه‌ها ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه است. این مجموعه که در ۴۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تولید شده است به تهیه‌کنندگی آرمان زرین کوب و کارگردانی سعید سلطانی است که سری اول آن را هم کارگردانی کرده بود. نویسندگی این سریال را سعید مطلبی بر عهده داشت و سری دوم آن نیز توسط خود او نگاشته شده است.

در این مجموعه تعدادی از بازیگران آن همچون داریوش ارجمند، نرگس محمدی، سیما تیرانداز و رامسین کبیرتی، در کنار بازیگران جدیدی همچون مهدی سلوکی، حدیث میرامینی، فریبا نادری، آتیله جاوید، امیرمحمد زند، فریبا طالبی و نازلی رجب‌پور قرار گرفته‌اند تا مرحله دوم را در زمان حال روایت کنند.

از آنجایی که سری دوم این مجموعه با فاصله زیادی از پخش سری اول آن آماده پخش شد، خلاصه‌ای از سری اول آن در شش قسمت ۴۵ دقیقه‌ای از شنبه بیست و یکم دی‌ماه از ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه از شبکه سه سیمای آغاز شد و تا پنجشنبه ادامه یافت تا مروری بر گذشته کاراکترها باشد.

سری نخست این مجموعه درباره داستان پدری به نام حشمت فردوس بود که برای به سرپرستی گرفتن نوه‌هایش به مقابله با ستایش، همسر پسرش می‌پرداخت و گرهای داستان و سایر رویدادهای آن نیز در همین تعقیب و گریزها صورت می‌گرفت.

سری دوم ستایش ۲۲ سال پس از فرار ستایش و فرزندانش را نشان می‌دهد. اینک هر سه با هویتی دروغین و با نام فامیل رودباری زندگی می‌کنند. ستایش آسوده‌خاطر است از این که با تغییر هویت خود و فرزندانش برای همیشه از چنگ حشمت فردوس گریخته است. او اکنون صاحب رستورانی در رودسر است و اعتبار و شهرتی نیکو دارد. اما برخلاف تصورش دست سرنوشت یک بار دیگر حشمت فردوس را رودرروی او قرار می‌دهد تا بار دیگر همت خود را بیازماید و برای حفظ فرزندانش به جنگ با مشکلات برود.

تفاوت اصلی سری اول ستایش با بخش دوم آن در زمانی است که قصه آن روایت می‌شود. قهرمان و ضدقهرمان این مجموعه که به ترتیب ستایش و حشمت فردوس هستند، هر کدام اصول اعتقادی خود را دارند. ستایش زنی است که برای رسیدن به مرد محبوبش همه مصائب را به جان می‌خورد و بی‌دریغ می‌کوشد تا آنچه را که می‌خواهد به دست بیاورد. او پس از مرگ همسرش باز هم این تلاش و تکاپو را ادامه می‌دهد تا فرزندانش را که تنها یادگار همسرش هستند، نزد خود نگه دارد و در این راه ملامت‌های بسیار را تاب می‌آورد و تحمل می‌کند. اما حشمت فردوس شخصیتی است که

در سری دوم سریال ستایش ۲۰ سال پیرتر شده است، این شخصیت از جمله افرادی است که با گذشت زمان، اصولشان تغییر نکرده و از معیارهایشان عدول نمی‌کنند و به‌رغم تغییرات و تحولات و فشارهایی که جامعه بر آنها تحمیل می‌کند، اما دغدغه‌های خود را دارند. این دست افراد به اعتقادات خود اعتیاد دارند و باورها و عقایدشان در عمق ذهن‌شان ریشه دوانده است و با گذشت زمان آنها را فراموش نمی‌کنند.

این دو شخصیت که هر کدام اسطوره‌های معادلی در سرزمین‌های دیگر دارند و کارکرد آنها جهانشمول است، ویژگی مشترکشان تکیه بر خواست و عقاید خود تا سرحد نابودی است، با این تفاوت که یکی پیرو قلب خود است و دیگری پیرو قوانین ذهنی خود. در واقع در علوم اسطوره‌شناسی و روان‌شناسی این دو؛ یعنی ستایش و حشمت به ترتیب شخصیتی دیونیزوسی و آپولونی دارند که اولی محور همه رفتارهایش خواست‌های قلبی و دومی نظم و قانون است. یکی از رموز موفقیت این سریال در سری اول آن، به‌رغم بعضی ضعف‌هایی

که در بازی برخی بازیگران و در کارگردانی اثر قابل مشاهده بود، همین تقابل اسطوره‌های متضاد بود. اما در سری دوم این مجموعه از این تقابل اسطوره‌های تنها یکی از جدل‌های آنها باقی مانده و به کشمکش برای به دست آوردن بچه‌ها فروکش کرده است.

دلیل از بین رفتن ریشه‌های اصلی اساطیری تغییر رفتار یکی از این دو است. در سری دوم ستایش می‌بینیم که ستایش که پا به سن گذاشته است، بسیار قانونمند و نظم‌محور عمل می‌کند و خبری از آن شور و حیات اولیه در او نیست. او که در شهرستانی کوچک و میان بومیان آن به تنهایی بار فرزندانش را به دوش کشیده است، برای حفظ آبرو و آرامش خانواده، زنانگی خود را کنار نهاده و همچون یک مرد در این دنیای مردانه گام برداشته است. در یکی از سکانس‌های این مجموعه تلویزیونی می‌بینیم ستایش که اکنون ثنا نامیده می‌شود دختر دم‌بختش را نصیحت می‌کند، اما نصیحت او از جنس پنجه‌های پدرا نه است. بنابراین عصیان‌های برآمده از خواسته‌های پاک قلبی، تبدیل به پختگی و رفتارهای محتاطانه‌ای شده که گرچه از دل روزگار سختی که بر او گذشته درآمده است، اما نمی‌تواند در مسیر داستان پیش‌برنده باشد. به همین دلیل است در سری دوم ستایش و در فیلمنامه آن، نوعی سکون و رکود دیده می‌شود که تنها دغدغه‌های زنی برای عاقبت به‌خیری فرزندانش را در برمی‌گیرد. از طرفی حضور حشمت فردوس نمی‌تواند کارکرد قلبی خود را داشته باشد، چرا که بچه‌های ستایش سن قانونی را گذرانده‌اند و خودشان اختیار تصمیم‌گیری برای زندگی با هر کدام از دو طرف را دارند. آنچه از ستایش به جا مانده است دیگر نه تفاوت دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و دغدغه‌ها، بلکه فرزندان است که خود صاحب اختیارند و نمی‌توانند جدلی در پی داشته باشند که این امر به تک‌بعدی شدن اثر و از بین رفتن عمق و بعدی منجر می‌شود که در سری اول این مجموعه تلویزیونی قابل مشاهده بود. قطعا کارگردان و عوامل سازنده این سریال تلاش‌هایی برای جذاب کردن ستایش ۲ در نظر گرفته‌اند، اما می‌توان حدس زد که این سری به سختی می‌تواند موفقیت قبلی را تجربه کرده و خیل طرفدارانش را آن گونه که باید با خود همراه کند. و این ماجرا در همه سریال‌هایی که سری دوم و سوم داشته ناگزیر روی داده است، چرا که تم تغییر نمی‌کند، اما درنمایه اولیه اثر یا به تکرار می‌رسد، یا رو به افول می‌رود و کارگردان‌ها و تولیدکنندگان برای برطرف کردن این کاستی‌ها، به عناصری همچون بازیگران جدید یا چهره‌های محبوب و لوکیشن‌های زیبا و... که در درجه دوم و چندم اهمیت قرار دارند، روی می‌آورند.



استناد می‌کند و این عبارت که «خانم مجری گفته است» برای او بهانه اقناع اطرافیان است. این رسانه برای ندا مثل شاقولی عمل می‌کند که ابزار سنجش حرف‌های اطرافیان، حتی پدر و مادرش است. او به قدری به جعبه جادویی علاقه دارد که نوع بازی‌هایش را براساس آن چیزی انتخاب می‌کند که در برنامه ارائه شده است. از گفته‌های مجری برنامه هنگام صحبت کردن استفاده می‌کند. یکی از آرزوهای ندا هم دیدن خانم مجری است.

به همین دلیل مادرش چند ماهی است به برنامه پیامک زده و خواستار حضور ندا در آن شده، اما هنوز نوشتن نشده است و او برای حضور در استودیوی برنامه و قرار گرفتن در جمعی که کلیشه‌های ذهنی‌اش را شکل می‌دهد و نوع برخوردهایش را با اطرافیان تعیین می‌کند، لحظه شماری می‌کند. همچنین هر روز بعدازظهر راس ساعت شروع برنامه بهترین ساعت شبانه روز از نظر نداست؛ زیرا می‌تواند بعد از یک روز نسبتاً خسته‌کننده پای تلویزیون بنشیند و حرف‌های مجری را درستی یا نادرستی حرف‌های دیگران بداند.

سنین کودکی به سر می‌برد، اما بشدت به محیط اطراف خود حساس بوده و همواره درصدد کشف حقیقت است. ندا این روزها دو محیط متفاوت از هم را تجربه می‌کند؛ خانواده و جمع ساده کودکان‌های که در برخورد با دوستان خود در پیش‌دستانی تجربه می‌کند. حضور او در میان کودکان هم سن و سال خود و تاثیرپذیری از مربیانش باعث شده ندا برخی از گفته‌های آنها را متناقض با آن چیزی بداند که پیش از این دریافت کرده است و به‌دلیل نداشتن رشد کامل شخصیتی و فکری، تفکیک این دو و تشخیص درست از نادرست برایش دشوار شود.

در این میان اما ندا یک ابزار محک برای خود در نظر گرفته است و آن چیزی نیست جز تلویزیون و حرف‌های مجری برنامه کودک. حتی هنگامی که در جمع دوستانش حضور دارد به گفته‌های مجری برنامه کودک

برگرفته از همین اندیشه‌های نسبتاً ثابت و بی‌تغییر است. ندا دختر پنج ساله خانواده یوسفی نیز بسیاری از رفتارها و گفته‌هایش را بر اساس همین کلیشه‌ها شکل می‌دهد. او گرچه در



مردم در قاب

شاقول تلویزیون

رکسانا قهقرایی

کلیشه‌ها بی در باور مردم وجود دارد که تغییر آنها کمی سخت است. در واقع نیازی هم برای تغییر آنها وجود ندارد. این کلیشه‌ها و باورهای ذهنی سبب می‌شود مردم در موقعیت‌های مختلف از تصمیمی سر باز زنند یا بر آن اصرار ورزند. این باورها گاهی از همراهی با افراد دیگر، عضویت در گروه و پایبندی به اصولی خاص سرچشمه می‌گیرد. همچنین زندگی در جهانی که منابع خبری متعددی تفکر انسان‌ها را مورد هدف قرار داده‌است، بدون شک شکل‌گیری کلیشه‌هایی ذهنی را همراه خواهد داشت که گاهی اوقات تغییر آنها کار چندان راحتی نیست.

این باور بویژه زمانی محکم‌تر و غیرقابل انعطاف می‌شود که فرد از دوران کودکی به آن دست یافته و با گذشت زمان آن را در خود درونی کند. بنابراین خوانش و فهم او از موقعیت‌ها و واکنش‌ها نشان می‌دهد

بسیار استفاده می‌کنم تا اطلاعاتم به روز باشد تا بتوانم برنامه را خوب اداره کنم. او در مورد استفاده از کاغذ و خواندن پیامک‌ها می‌گوید: برای من استفاده از لپ‌تاپ، تبلت یا کاغذ چندان تفاوتی ندارد. گاهی از روی تبلت پیامک‌های مخاطبان را می‌خوانم، اما چه خوب است عادات و خاطرات خوبمان را فراموش نکنیم و آنها را زنده نگه داریم. هنوز ذهنیت مردم نسبت به کاغذ قشنگ است و بار مثبت دارد. در ضمن برنامه‌های خانوادگی تاحدودی رویکرد سنت‌گرا دارند.

از این مجری باسابقه می‌خواهم کمی درباره ویژگی‌های یک مجری خوب صحبت کند که می‌گوید: یک مجری خوب باید از قوه بیان خوب، چهره خوب به معنای تصویر قابل قبول و نه صرفاً زیبا برخوردار باشد، سواد بالا داشته باشد و جلوی دوربین با بیننده روان حرف بزند تا بتواند مخاطب را حس و باور کند. هوش حسی و هیجانی بالایی داشته باشد، از قدرت تصمیم‌گیری سریع و صحیح برخوردار باشد و مهم‌تر از همه، با مردم صادق باشد. در پایان از صادقان می‌پرسم به اجرائیات در عصر خانواده چه نمره‌ای می‌دهید که می‌گوید: راستش من زیاد اهل نمره خوب دادن نیستم و خیلی سختگیرم (با خنده). معتقدم هنوز با استانداردها فاصله داریم. بسیاری اوقات، مجری حمایت اطلاعاتی نمی‌شود و اگر برنامه مورد بحث روز بعد را بداند مسلماً با ذهنیت بالاتر و بهتری در برنامه ظاهر می‌شود. امکانات فنی و زمان برنامه نیز اهمیت دارد. با تمام این اوصاف، من نه به خودم و نه به هیچ مجری دیگری (که همگی هم از دوستان و همکارانم هستند)، نمره بالاتر از ۱۵ نمی‌دهم. همیشه قدردان محبت‌های مردم خوبمان هستم که با لطفشان ما را به ادامه کار تشویق و دلگرم می‌کنند.

یکی از بخش‌های دیگر برنامه، «مزه زندگی» نام دارد. در این قسمت گروه سازنده برنامه به خانه مردم می‌رود و اعضای خانواده (از بچه‌ها تا بزرگ‌ترها) از خواسته‌ها، دغدغه‌ها و خاطراتشان سخن می‌گویند. سازندگان گزارش‌های این برنامه برای تهیه بخش‌ها به شهرهایی چون ورامین، کرج و رباط کریم رفته‌اند و سفر به شهرهای دورتر را هم در برنامه دارند.

بخش گلخانه، به شیوه نگهداری از گل و گیاهان خانگی می‌پردازد. قرار است در آینده، تغذیه سالم نیز به برنامه افزوده شود که ویژه آموزش لقمه‌های عصرانه ساده، سالم و ارزان قیمت است.

در بخش بعدی برنامه، مجری پیامک‌ها را می‌خواند. یک بیننده نوشته: خانواده یعنی یک لقمه گپ‌زدن دور هم! بعد از بخش بخش‌های گزارشی برنامه، نوبت به دکتر علی گرانمایه‌پور می‌رسد تا درباره شبکه‌های مجازی و ارتباطات نوین و خانواده‌ها صحبت کند. با پخش تیتراژ پایانی برنامه به اتمام می‌رسد.

ارغوان رنگ خانواده

دکور برنامه عصر خانواده، برشی از یک خانه است که هم آشپزخانه دارد، هم پذیرایی و هم اتاق نشیمن که توسط بهاره امینی ساخته شده است. این دکور از رنگ صورتی و ارغوانی استفاده کرده است. عبدالرحمانی، تهیه‌کننده برنامه در این زمینه می‌گوید: رنگ گروه ما ارغوانی است که رنگ خانواده است. ما مرد را آبی دیدیم و زن را قرمز و مخلوط این دو رنگ می‌شود ارغوانی که رنگ شاد و زیبایی است. البته دکور بنا به فصل تغییراتی خواهد داشت و آکسسوار به آن اضافه خواهد شد. مثلاً در دهه فجر از نماد پرچم در دکور برنامه استفاده کردیم. وی همچنین در مورد تیتراژ برنامه می‌گوید: اکنون خیلی از برنامه‌ها از کلیپ استفاده می‌کنند، ولی ما دوست داشتیم قدری متفاوت باشیم، به همین منظور قسمت‌هایی از فیلم‌های با مضمون اجتماعی و خانوادگی مانند مادر، دهلیز و چشمان کاملاً بسته را برگزیدیم و از دیالوگ‌های خود فیلم استفاده کردیم تا برای مردم خاطره‌انگیز باشد. بعضی قسمت‌ها را سیاه و سفید و بعضی را رنگی پخش کردیم، چون زندگی هم مجموعه‌ای است از تلخی و شیرینی و پستی و بلندی.



گزارشی از پشت صحنه برنامه خانوادگی شبکه دو سیما

عصر خانواده به رنگ ارغوان

سعیده موسوی

به فرزندپروری و روز بعد به محیط زیست و ما سعی می‌کنیم به موضوعات روز بپردازیم تا برنامه زنده و پویا باشد. او درباره ملاک انتخاب مجریان و کارشناسان برنامه می‌افزاید: در سری‌های قبل برنامه چند مجری داشته، اما از آنجا که ما با محدودیت زمان مواجه هستیم، بهتر دیدیم در هر برنامه از یک مجری استفاده شود که خانم‌ها فریبا محمدی و ژاله صادقان - که هر دو توانا و با سابقه هستند - این کار را به عهده گرفتند. در اجرای برنامه‌های خانوادگی، خانم‌ها بهتر عمل می‌کنند و البته ما تلاش کرده‌ایم از نقش آقایان غافل نشویم و آنها را در بخش‌های مستند و گزارشی بیشتر مورد توجه قرار دهیم تا کار جالبی به مخاطب ارائه شود و کار کسل‌کننده نباشد. برای انتخاب کارشناسان نیز به سراغ اعضای هیات علمی دانشگاه‌های مختلف و استادانی رفتیم که عضو شورای سیاستگذاری سازمان هستند. کسانی که هم بار علمی داشته باشند، هم به مسائل خانواده مسلط و به رسانه آشنا باشند. در عین حال به زبان ساده و با اطلاعات روز با مردم صحبت کنند. بنابراین از کارشناسان در زمینه‌های پزشکی، تغذیه، روان‌شناسی، حقوقی و ارتباطات استفاده می‌کنیم و به موضوعاتی مانند ازدواج، اشتغال، بیکاری، نگرانی‌های والدین و جوانان، دغدغه‌های زنان خانه‌دار، تفاوت فرهنگ‌ها، حقوق کودکان و... می‌پردازیم.

عبدالرحمانی درباره بازخورد برنامه این‌گونه ادامه می‌دهد: با این که مدت زیادی از پخش نمی‌گذرد، اما بازخورد خوبی از مردم دریافت کرده‌ایم. مخاطبان به صورت متغیر روزانه بین ۱۵۰۰ تا ۴۰۰۰ پیامک به سامانه ۳۰۰۲۱۱ می‌فرستند، در حالی که ما نه سوال می‌پرسیم و نه مسابقه پیامکی برگزار می‌کنیم و رویکردمان نیز بیشتر آموزشی است تا سرگرمی. مردم برایمان جملات زیبایی می‌فرستند، پیشنهاد و انتقاد می‌کنند و پرسش‌های خود را از کارشناسان می‌پرسند. حتی بسیاری از مخاطبان پاکت و تمبر خریدند و برای ما با خط خودشان نامه نوشته‌اند. از آنجا که ما برای مردم کار می‌کنیم و برنامه روی مسائل مبتلابه روز خانواده‌ها می‌چرخد، سعی می‌کنیم به نظرات مخاطب در حد توان و وقت برنامه توجه کنیم و هر جا لازم شد تغییرات لازم را لحاظ کنیم.

در ادامه برنامه، کلیپی مربوط به دوران انقلاب پخش می‌شود. بخش بعدی به گفت‌وگو با کارشناس برنامه

مدتی است عصرها ساعت ۱۶ و ۴۵ دقیقه استودیوی شماره ۲۱ شبکه دو به لوکیشن مناسبی برای تصویربرداری و پخش برنامه‌ای با عنوان «عصر خانواده» اختصاص یافته است. در یک عصر سرد و برفی برای تهیه گزارش، راهی این استودیو می‌شویم. برنامه راس ساعت آغاز می‌شود.

عصر خانواده، یک برنامه ترکیبی شامل پلاتو، گفت‌وگو با کارشناس، مصاحبه‌های تلفنی و مستندهای گزارشی است که در قالب ۱۵۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای پخش می‌شود.

ژاله صادقان - که اجرای برنامه را به عهده دارد - این‌گونه آغاز می‌کند: «به نام خدا. سلام گرم ما را در این عصر زمستانی که شهر پوشیده از برف و برکت خداوند است، پذیرا باشید. ثانیه‌ها با عشق پر می‌شوند، وقتی خانواده دور هم جمع هستند. عشق، موهبت خداوندی است. آن را جدی بگیریم و با نگاهی پر از محبت به هم بنگریم.»

در شروع برنامه فرصتی دست می‌دهد تا با محمدجواد عبدالرحمانی، تهیه‌کننده و کارگردان برنامه صحبت کنیم. وی که دانشجوی رشته سینماست، کار خود را با تدوین برنامه‌های مختلف آغاز کرده و تهیه‌کنندگی مستندهایی چون «بن‌زین به علاوه سه» و «کنجکاوی» را به عهده داشته است. او درباره هدف از ساخت عصر خانواده می‌گوید: این برنامه سری پنجم عصر خانواده است و ما پایه‌گذار اصلی آن نبوده‌ایم، اما در این سری سعی کرده‌ایم به خط مشی‌های ترسیم شده توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر موضوع جمعیت و فرزندآوری توجه کنیم و نیز بخش‌های متنوع‌تری به برنامه بیفزاییم. نام برنامه نیز برگرفته از محتوای آن است. هم از این نظر که از نگاه سازمان، امروز عصر خانواده است و باید به استحکام خانواده توجه ویژه شود و هم از این بابت که زمان پخش برنامه، عصر است. در این زمان بخصوص در شهرستان‌ها، اهالی خانه از کار روزانه بازگشته‌اند و دور هم جمع هستند. در زیرساخت برنامه هر روز یک مساله را دستمایه قرار داده‌ایم و البته از مشورت‌های خانم دکتر جلالی، مدیر گروه خانواده شبکه دو استفاده کرده‌ایم. یک روز برنامه به بحث فرزندآوری اختصاص دارد، روز دیگر

مجموعه‌های نوروزی تلویزیون و عاملی کلیدی به نام بازیگر

فرصت‌های طلایی فراغت



نمایی از سریال محبوب، بد، زشت

ایرج محمدی برعهده دارند؛ تیم موفق که پیش از این نیز مجموعه زن بابا را تولید کرده‌اند که یکی از موفق‌ترین مجموعه‌های نوروزی سال‌های اخیر لقب گرفته است. روزهای بد در که پیش از این حسین لطیفی قرار بود آن را بسازد، درباره یک سرایدار مدرسه است که شب عید پس از ۳۰ سال حکم بازنشستگی‌اش می‌آید و این درحالی است که به مراسم ازدواج پسرش که قرار بوده در حیاط مدرسه برگزار شود، چیزی باقی نمانده است.

آقاخان این مجموعه را براساس فیلمنامه‌ای از برزو نیک‌نژاد، نویسنده فیلمنامه کار موفق دودکش، می‌سازد و از هومن برق‌نورد در نقش اصلی‌اش بهره می‌گیرد؛ بازیگری توانایی که در دودکش بخوبی در ژانر کمدی امتحان پس داده و زمان‌بندی مناسبی برای اجرای شوخی‌های کار دارد. آقاخان با توجه به کمبود زمان تولید، بخش مهمی از کار را در یک مدرسه ضبط کرده و در کنار آن از چند لوکیشن دیگر نیز بهره گرفته است. خط اصلی داستان نیز تازگی چندانی نداشته و از الگوی همیشگی گرفتار شدن قهرمان داستان در یک موقعیت بغرنج بهره گرفته است. نیک‌نژاد در دودکش نیز از همین الگو تبعیت می‌کند و نتیجه درخشانی هم گرفته که می‌توان به تکرار آن در روزهای بد در امیدوار بود.

یادداشت‌های یک زن خانه‌دار

شبکه چهار سیما نیز بر خلاف سال‌های گذشته برای نخستین بار خبر از تولید مجموعه‌ای نوروزی به نام یادداشت‌های یک زن خانه‌دار به کارگردانی مسعود کرامتی و تهیه‌کنندگی اسماعیل عقیقه داد.

این مجموعه که فیلمنامه‌اش را علیرضا کاظمی پور نوشته درباره یک زن خانه‌دار و بلاگ‌نویس علاقه‌مند روان‌شناسی است که تجربیات خود را در وبلاگش به اشتراک گذاشته و به تعامل با مخاطبان خود می‌پردازد. بخش مهمی از کار در یک آپارتمان چهار واحدی می‌گذرد که هر آپارتمان مستقل دارد و به داستان اصلی پیوند می‌خورد. فیلمبرداری یادداشت‌های یک زن خانه‌دار از اوایل دی ماه آغاز شده و بنا به گفته تهیه‌کننده‌اش مجموعه‌ای ۴۵ قسمتی است که فقط ۱۵ قسمت آن با حال و هوای نوروزی برای پخش در این ایام ساخته می‌شود.

شبکه تهران نیز تا زمان نگارش این یادداشت خبری مبنی بر ساخت مجموعه‌ای نوروزی منتشر نکرده و به احتمال بسیار مجموعه تازه‌ای را در این ایام روی آنتن نخواهد فرستاد.

محبوب به حساب می‌آید، او در نقش جوانی سرکش ظاهر شده که راه درست زندگی کردن را یاد نگرفته اما سرانجام با نوشیدن سال به سمت خانواده و زندگی بهتر باز می‌گردد. بهره رهنما، سوسن پرور و بهنوش بختیاری دیگر بازیگران این کار هستند که هر یک تجربه‌های خوبی در زمینه کمدی دارند و به آنها باید حسین محب‌اهری، شهین تسلیمی را نیز اضافه کرد. در این میان تنها هادی، باید حواسش را به فرم بازی همیشگی بختیاری که متکی بر بداهه‌پردازی است، جلب کند؛ نکته‌ای که می‌تواند آسیب جدی به کل کار وارد کند. با همه اینها برگ برنده خوب، بد، زشت خود امین حیایی است که در صورت جا افتادن در نقش می‌تواند یک تنه از دیگر مجموعه‌های نوروزی سبقت بگیرد.

روزهای بد در

شبکه سوم سیما نیز به مانند هر سال مجموعه‌ای را برای این ایام در دست تولید دارد که کارگردانی‌اش را سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی‌اش را مهراون مهاباد

زده و لیخندی بر چهره مخاطبان خود نشانده‌اند. در این گروه که در پایتخت ۳ هم حضور دارند، تنابنده بخش مهمی از بار کمدی کار را به دوش کشیده و در کنار مهراونرفر زوج درخشانی را شکل داده‌اند که بخوبی قصه را پیش می‌برد. بخصوص مهراونرفر که تیپ درخشانی را در نقش ارسطو خلق کرده و رفتارهای اغلب کودکان‌اش بشدت به دل می‌نشیند. بدون شک، ستاره پایتخت کسی جز خمسه در نقش باباینجلی با گریم عجیب و غریب نیست که با تک مضراب‌هایش شیرینی خاصی به کلیت کار بخشیده و خیلی زود تکیه کلام هایش به زبان مردم کوچه و بازار وارد شد. حال باید منتظر سومین قسمت پایتخت در نوروز سال آینده ماند و کیفیت آن را با دو بخش پیشین مقایسه کرد که می‌تواند معیاری کلیدی در جذب مخاطبان بالقوه پایتخت باشد.

خوب، بد، زشت

مجموعه تلویزیونی خوب، بد، زشت به کارگردانی منوچهر هادی که این روزها با آخرین ساخته سینمایی‌اش، زندگی جای دیگری است، در جشنواره فیلم فجر خوش درخشیده، گزینه نوروزی شبکه دوی سیما برای ایام نوروز است که با توجه به قصه کمدی، تیم تولیدکننده و همچنین عنوان خاص خود می‌تواند رقیب قدرتمندی برای دو مجموعه دیگر نوروزی باشد. این مجموعه ترکیب بازیگران جذابی دارد که در راس آن امین حیایی به چشم می‌خورد که همچنان بازیگری

مجموعه‌های تلویزیونی نوروزی با توجه به تعطیلات و ایام فراغت مردم، فرصتی طلایی را در اختیار سازندگان آثار یاد شده برای ارتباط حداکثری با مخاطبان قرار می‌دهد.

در یک دهه اخیر این ارتباط دوسویه بسیار محکم تر از قبل شده و بیشتر مجموعه‌های نوروزی سلیقه‌های متفاوتی را راضی کرده و مخاطبان بسیاری را پای گیرنده‌ها می‌نشانند. برای نمونه می‌توان از مجموعه جایزه بزرگ ساخته مهراون مدیری، پیامک از دیار باقی و پایتخت ۱ و ۲ از ساخته‌های سیروس مقدم نام برد که همگی آنها در ژانر کمدی بوده و با توجه به ایام نوروز گزینه‌های مناسبی به شمار می‌رفتند؛ اتفاقی که در نوروز ۱۳۹۳ نیز شاهد آن خواهیم بود و به نظر می‌رسد رقابت تنگاتنگی را میان مجموعه‌های تولید شده در شبکه‌های یک، دو، سه و چهار شاهد باشیم.

پایتخت ۳ سیروس مقدم با تکیه بر موفقیت پایتخت‌های ۱ و ۲ دست به ساخت سومین قسمت این کار زده و این بار خانواده نقی معمولی را به سفری دیگر می‌فرستد. بخش مهمی از موفقیت مجموعه یاد شده بویژه قسمت نخست به فیلمنامه جذاب و در وهله بعد به تیم منسجم و کارکننده آن بازمی‌گردد که به بهترین شکل ممکن شوخی‌های فراوان موجود در فیلمنامه را به اجرا درآورده است. محسن تنابنده، احمد مهراونرفر، ریمار امین‌فر و علیرضا خمسه ستاره‌های پایتخت هستند که هر یک بخشی از جذابیت کار را رقم

فروش استثنایی چند قطعه زمین مسکونی
با مجوز ساخت در بهترین منطقه شهر جدید پردیس، به همراه تعدادی واحد ۵۸ تا ۲۳۰ متر **یا وام ۲۵ میلیونی**
و فروش آپارتمان‌های مسکن مهر فاز ۳ و ۱۱
۸۸۹۵۱۳۱۶ - ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶

منطقه توریستی بهار نارنج
ویلا دو بلیکس، ۳ خوابه، مبله، شهرک بانگبانی
سند ۶ دانگ، نقد و اقساط (پول لازم)
آذرگردار ۰۹۱۱۳۲۰۰۶۰۳

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی
به‌طور فوق العاده
جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن مهر ۵ منطقه ۱۸ رأس ساعت ۹/۳۰ روز جمعه مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۰۹ در محل مسجد الغدیر واقع در یافت آباد، میدان الغدیر برگزار می‌شود. لذا از کلیه اعضای دعوت می‌شود، شخصاً یا وکالتاً جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱) گزارش هیأت‌مدیره و بازرسی
۲) طرح و تصویب صورت‌های مالی سال ۹۱
۳) تصمیم در مورد نصب و اجرای آسانسور و نصیبات از قبیل پکیج، رادیاتور و غیره ...
هیأت‌مدیره تعاونی مسکن

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول
مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن مهر ۵، منطقه ۱۸ تهران در ساعت ۱۰/۳۰ روز جمعه مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۰۹ در محل مسجد الغدیر واقع در یافت آباد، میدان الغدیر برگزار می‌شود. از کلیه اعضای دعوت می‌شود، شخصاً یا وکالتاً جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱) طرح و بررسی انحلال شرکت تعاونی
۲) انتخاب هیأت تصفیه
هیأت‌مدیره تعاونی مسکن

اجاره یک واحد آپارتمان در بهترین نقطه شمیران، باغ فردوس
۱۹۰ متر، ۳ خوابه، کف سنگ، آشپزخانه جدا، شومینه، اتاق تلویزیون، پارکینگ و آبنباری
۰۹۳۵۴۶۵۰۹۸۴

مکتب کمدی ایران
کشف استعداد، آموزش بازیگری
ایجاد کار، تضمینی
استادان: ابراهیم وحیدزاده، جمشید شاه محمدی، جواد طوسی. فرهاد توحیدی، شهره لرنستانی و ...
۰۲۱-۶۶۵۶۸۱۰۳۰۴

شرکت آرنا مبلمان درب پارسه
مشاوره و مجری کلیه کارهای چوبی
مبلمان کمدیهای دیواری و ریلی، کابینت
درب‌های ساختمانی HDE, EBS, HPL, PMC لایت کف
هفت حوض، پلاک ۴۹۷، واحد ۱۰ محمد سعود آخوندی
۷۷۹۴۷۵۳۳ - ۰۹۱۲۵۸۸۶۱۳۲

بازرگانی حیدری
تولیدکننده و پخش کننده
گاز صفحهای توکار و هود NITO
۷۷۶۹۷۱۴۹ - ۰۹۱۲۴۲۷۳۳۲۹

بهترین سرمایه گذاری در ملک
فروش یک قطعه ویلا به متراژ ۲۴۰ متر زمین یا بنا (مشجر) در بهترین منطقه حومه تهران (جنوب) گردان منطقه سبله با بهترین مسیر رفت و برگشت به تهران با بهترین شرایط به فروش می‌رسد. **پارکینگ - خرید**
۰۹۱۲۱۷۷۹۳۳۲

خرید ویژه خودروهای فرسوده به مناسبیت دهه فجر
سواری و وانت (جایگزین و نقدی)
سواری ۲/۹۰۰۰۰۰ تومان
وانت ۲/۴۰۰۰۰۰ - ۳/۴۰۰۰۰۰
انتقال رایگان خودرو ۷-۴۴۹۸۶۷۴۵
مرکز اسقاط گسترش پیمان - کد ۱۷۱۸



فارسی را پاس بداریم

نگار منفرد



گرچه همزمان با توسعه علمی کشور، شاهد افزایش سطح سواد و دانایی در جامعه هستیم و بی‌سوادی در مرزهای ریشه کن شدن است، اما بی‌دقتی یا بی‌رغبتی در حفظ سرمایه زبانی کشور و از سوی دیگر، هجوم رسانه‌های بیگانه که رسوخ به ذهن و فکر جوامع ریشه‌دار و باهویت را هدف قرار داده‌اند، سبب شده تا گاه باسوادترین افراد و دارندگان رده‌های بالای علمی هم در استفاده درست از ادبیات فارسی در کلام و نوشتار خود، ضعف داشته باشند. در این زمینه، علاوه بر نهادهای آموزشی و دانشگاهی

و نیز دیگر رسانه‌های مکتوب، هنری و مجازی، صدوسیما یکی از موثرترین پایگاه‌هایی است که می‌تواند در آموزش و ترویج زبان فارسی ایفای نقش کند.

معاون سیمای سازمان صداوسیما اخیراً از تشکیل شورای عالی زبان و ادب فارسی در تلویزیون خبر داده و آمادگی رسانه ملی را برای تقویت ارتباط میان فرهنگستان زبان و ادب فارسی و صدوسیما به‌منظور ارتقای سطح دانش جامعه درباره زبان و ادب فارسی، اعلام کرده است. حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز با اشاره به آسیب‌هایی چون ورود بی‌حساب و کتاب واژه‌های فرنگی، وضع ناپسند خط فارسی در بعضی از متون مطبوعاتی و تبلیغات، درازنویسی، آشفته‌نویسی و گرتنه‌پردازی از زبان‌های فرنگی، بر مقابله با این معضلات زبانی تأکید کرده است. یکی از مهم‌ترین و روزآمدترین این آسیب‌ها در نحوه کاربرد زبان فارسی در فضای مجازی است که متأسفانه رواج مشارکت افراد جامعه - بویژه نسل جوان - در شبکه‌های اجتماعی، میزان آسیب‌پذیری نوشتاری افراد را (در کنار دیگر آسیب‌های رفتاری و روانی) افزایش داده است.

آنچه مسلم است رسانه ملی، نمی‌تواند و قرار نیست به یکباره همه مشکلات متداول زبانی در جامعه را که بخشی از آن ناشی از آموزش‌های غلط و ناقص و بخشی دیگر، همان طور که اشاره شد نشأت گرفته از رسانه‌های مهاجم است، حل و فصل کند اما اگر همان طور که در تنظیم خبر در برنامه‌های خبری دقت دارد، در دیگر برنامه‌ها، مثل برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان، برنامه‌های جوان‌پسند و ورزشی، برنامه‌های خانوادگی و برنامه‌های نمایشی، توجه به آسیب‌های زبانی را اصل قرار دهد، خواهد توانست به شکلی غیرمستقیم آموزش صحیح را بر ناخودآگاه مخاطب غالب کند.

در این راه، آنچه می‌تواند در شکل‌گیری بهترین قالب‌های ترویج زبان فارسی موثر عمل کند، افزایش همفکری و هم‌اندیشی بین مسئولان سازمان صداوسیما، متولیان و حافظان زبان فارسی است که تعامل اخیر معاون سیمای و مسئولان فرهنگستان زبان فارسی می‌تواند در این مسیر، راهگشا باشد. البته یکی از اتفاقاتی که این‌گونه جلسات کارشناسانه و تعاملی را کاربردی می‌کند، حضور برنامه‌سازان خلاق و امتحان پس داده رسانه ملی است که نباید از آن غافل بود. برنامه‌ساز اگر از نزدیک در جریان

مطالبات زبانی باشد، بهتر و گسترده‌تر می‌تواند برای حل این‌گونه آسیب‌ها از طریق برنامه‌های تلویزیونی برنامه‌ریزی کند و این همان چیزی است که می‌تواند مدیران رسانه‌ای و فرهنگی را سریع‌تر به اهداف خود برساند.

افق‌های پیش‌روی رادیو

احمد رضا علیزاده

رادیو رسانه‌ای است که در همه مقاطع تاریخی جامعه ایرانی، دارای جایگاهی ویژه بوده است و امروزه، با وجود رشد و گسترش وسایل ارتباط جمعی همچنان جایگاه خود را بویژه بین خانواده‌ها و جوانان، حفظ کرده است. به همین دلیل توجه به ارتقای این بخش گسترده از صدوسیما، همواره لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در خبرها آمده بود که سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو با شعار «رادیو؛ رسانه دیروز - امروز - فردا» در بهار سال ۹۳ برگزار می‌شود. این جشنواره اگر با نگاهی تخصصی همراه باشد و بتواند همانند جشنواره جام‌جم، به محلی برای عیارسنجی و رقابت‌آفرینی بین آثار رادیویی بدل شود، خواهد توانست بیش از پیش در دستیابی متولیان این رسانه به اهداف از پیش تعیین شده، موثر باشد.

آنچه مسلم است، جشنواره بین‌المللی رادیو، برخلاف جشنواره تلویزیونی جام‌جم که بتازگی اولین قدم‌های بین‌المللی شدن را پیموده، جشنواره‌ای نوپا نیست و ۱۲ دوره برگزار شده است. همین قضیه انتظارها را از این جشنواره نسبتاً قدیمی بیشتر می‌کند.

برگزاری اجلاس جهانی صدا در کنار جشنواره بین‌المللی رادیو، همان طور که دست‌اندرکاران این جشنواره اعلام کرده‌اند، پدیدآورنده یک فرصت است تا با نزدیک شدن هر چه بیشتر نظرات، ایده‌ها و اندیشه‌های فعالان این بخش، افق‌های روشن‌تری از افزایش سطح دانش و آگاهی‌های عمومی از سوی رادیو پدیدار شود. اما آیا بدون شناخت و آگاهی از کم‌داشت‌ها می‌توان به این افق‌ها دست یافت؟

امروزه با تکثر شبکه‌های رادیویی و توجه پررنگ به کمیت برنامه‌سازی در این شبکه‌ها، گاه توجه به کیفیت از نظرها دور می‌ماند و این، همان بزنگاهی است که جشنواره بین‌المللی رادیو می‌تواند به بهترین شکل در آن نقش‌آفرینی کند. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های رسانه رادیو، همان طور که در تعریف برپاکندگان سیزدهمین دوره این جشنواره نمودار شده، افزایش سطح دانش و آگاهی‌های عمومی است و برای رسیدن به این مهم، باید تمام بخش‌های خبری و غیرخبری رادیو، این تعریف را در جزئیات برنامه‌سازی خود، اصل قرار دهند. با این رویکرد، سرگرم‌سازی تحت‌لوازی ارتقای سطح آگاهی افراد (مخاطبان رادیو) قرار می‌گیرد و نمی‌تواند باری‌بهرجهت و صرفاً برای پرکردن آنتن، اقدام به تولید برنامه و بخش آن از آنتن رادیو کرد و این حساسیت کار مدیران و برنامه‌سازان این رسانه را دوچندان می‌کند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که رادیو، گرچه مخاطبان سنتی خود را حفظ کرده اما برای این که بتواند پا به پا با این مخاطب مشتاق جلو برود و عملکردش به گونه‌ای نباشد که این مخاطبان سنتی جذب رسانه‌های دیگر شوند، باید به روزآمدی بیندیشد و تکنیک‌ها و روش‌های جذب مخاطب را بر قواعد مدرن و امروزی منطبق کند. این رویکرد قطعاً خواهد توانست در جذب مخاطبان نسل جدید که قرار است رادیو را جزو انتخاب‌های اولیه رسانه‌ای سرگرم‌ساز، تفریحی و بعد، آموزشی خود قرار دهند نیز بسیار کارساز باشد.

راهکارهای آوای باران در جذب مخاطب

فهیمه پناه آذر

سریال «آوای باران» یکی از پر بیننده‌های تلویزیون در ماه‌های گذشته، راهکارهایی را برای جذب مخاطب انبوه ارائه کرد که شاید رعایت آن برای دیگر کارهای مشابه هم بتواند به عنوان یک فرضیه امتحان پس داده، موفق عمل کند. داستان‌های این مجموعه تلویزیونی در دو برهه زمانی دهه ۷۰ و زمان حاضر روایت شد و تعداد قسمت‌های این سریال (۴۰ قسمت) علاوه بر پیام‌ها و مفاهیمی که دربرداشت، فرصتی را نیز برای شخصیت‌پردازی و بسط ماجراهای فیلمنامه ایجاد کرده بود و به نظر می‌رسید مخاطب سریال، این بار نیز با داستانی بدون نتیجه و بی‌فرجام روبه‌رو نیست.

در این سریال، زندگی خانوادگی مردی به نام طاهای ریاحی که تاجر داروست با بروز اتفاقاتی دگرگون شده و سرنوشت عجیبی برای او و دخترش رقم می‌خورد و... هرچند که نقدهایی به کارگردانی و حتی بازی‌های این سریال وارد بود، اما این سریال توانست در میان مردم محبوبیت پیدا کند. اگر بخواهیم بازگشتی به فیلمنامه و داستان سریال داشته باشیم، به نظر می‌رسد هر چند کارگردان سعی کرده بود که موضوعات و مشکلات اجتماعی را در این اثر تلویزیونی به تصویر بکشد، اما گاهی داستان سریال، زیاد در قید و بند رفتن به سوی عمق ماجراها نبود و گرچه این رویکرد از سوی برخی به عنوان نقطه منفی تلقی می‌شد، اما برخی دیگر، رعایت جاذبه‌های قصه‌پردازی و ایجاد تعلیق در آوای باران را از عواملی می‌دانستند که به موفقیت و پرتماشاگر شدن آن کمک کرده است.

حسین سهیلی‌زاده در ساخت این سریال از بازیگرانی بهره برد که بیشتر آنها در حوزه تلویزیون و بعضاً سینما چهره هستند و همین گذشته از کیفیت بازی و توانمندی اجرایی‌شان تأثیر زیادی بر جلب توجه بیننده داشت، اما نمی‌توان از برخی بازی‌های کلیشه‌ای و تصنعی در طول بخش سریال گذشت.

یکی دیگر از ویژگی‌های این سریال که البته بیشتر به کارگردان و هوشمندی‌اش در انتخاب بازیگران برمی‌گردد، حضور آنان در قالب نقش‌ها و ایفای کاراکترهایی است که تا حد زیادی از نقش‌های قبلی‌شان فاصله داشته است. یکی از نقش‌هایی که در این سریال بخوبی درخشید و به نظر می‌رسد مدت‌ها در آذهای مخاطبان تلویزیونی باقی می‌ماند کاراکتر «زیور» یا بازی الهام چرخنده بود. چرخنده با این که در این سال‌ها در تئاتر و تلویزیون حضور داشت، اما با بازی در این نقش توانست او را بیشتر به مخاطب بشناساند و به نوعی برگ برنده این سریال نیز به شمار می‌رفت. این مساله البته درباره دیگر بازیگران مجرب و جوان این مجموعه تلویزیونی نیز صدق می‌کرد، به طوری که تک‌تک آنها توانستند در ارتباط با مخاطب موفق عمل کنند و بخشی از جاذبه‌های آوای باران را رقم بزنند.

آوای باران در طول مدت زمان پخش خود، توانست مخاطبانی را هر شب به پای تلویزیون بکشاند و در کمترین مدت، نظر موافق مخاطبان خود را به‌دست آورد. آوای باران گرچه در روزهای ابتدایی پخش با انتقادات و پرسش‌هایی روبه‌رو بود و شروع آن نیز چندان قوی نبود، اما در ادامه توانست با چیره‌دستی سازندگان مخاطبان خود را از طیف‌های مختلف، به دست بیاورد.

کلاس درس رسانه ملی برای فیلمسازان

محمد تقی فهیم

جایگاهی که تلویزیون در زمینه تجربه‌اندوزی فیلمسازان سینما را دارد، نمی‌توان نادیده گرفت. این در حالی است که در آمریکا با وجود سینمای هالیوود، تلویزیون موقعیت تحقیرشده‌ای دارد، اما در ایران، رفت و آمد بین سینما و تلویزیون با کشورهای دیگر متفاوت است.

بسیاری از کارگردان‌های صاحب‌نام امروز سینمای ایران، کار خود را از تلویزیون و با ساخت مجموعه‌های تلویزیونی آغاز کرده‌اند یا با ساخت تله‌فیلم، راه‌های ورود به پشت‌دوربین فیلمسازی را آزموده‌اند. همکاری با تلویزیون فرصتی بهینه برای فیلمسازان است و رسانه ملی مانند کلاس درس است. فیلمساز شاید در رسانه تلویزیون با قالب کوچک‌تری روبه‌رو باشد، اما فرصت آموختن دارد و می‌تواند قاب را بشناسد و با آن آشنا شود. معمولاً فیلمسازانی که از عرصه تلویزیون به سینما می‌روند، می‌توانند مخاطبان انبوه‌تری را جذب آثار خود کنند به شرط آن که در فیلم خود با معیارهای سینما کار کنند و فیلم سینمایی بسازند نه آن که ساختار تلویزیونی را در سینما ادامه دهند. عوامل ارتباط‌گیری با مخاطب در فیلمسازان تلویزیونی با کارگردانی که برای سینما فیلم می‌سازد تفاوت دارد و باید به این تفاوت‌ها آگاه بود و در خلق یک اثر سینمایی آنها را نادیده نگرفت.

حال این که برخی از کارگردان‌های خوب تلویزیونی در سینما ناموفق هستند یا برخی از سینماگران در ساخت فیلم تلویزیونی یا سریال به توفیق قابل توجهی دست نمی‌یابند، این امر به میزان شناخت کارگردان از این دو رسانه بازمی‌گردد. اگر نویسنده و کارگردان از ابتدا بدانند برای کدام رسانه فیلمنامه می‌نویسد یا فیلمی را می‌سازد، در ادامه با چنین مشکلی روبه‌رو نخواهد شد، اما از آنجا که معمولاً این دو رسانه بدون توجه به شاخصه‌ها و جزئیات دو رسانه، با هم آمیخته می‌شوند، کارگردان‌ها قائل به این تفاوت‌ها نیستند و مشکل از اینجا آغاز می‌شود. در نهایت می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که کارگردان در سینما و تلویزیون، به‌طور مشترک به ذکاوت، هوش و درایت کارگردانی نیازمند است. به عنوان نمونه در سینما میزان دیالوگ‌ها کمتر است و دیالوگ گاه در سایه قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که در تلویزیون، دیالوگ‌ها و جزئیات بیشتر است، بنابراین باید بار دیگر بر این شاخصه تعیین‌کننده تأکید کنم که موفقیت فیلمسازان در دو عرصه سینما و تلویزیون، به شناخت آنها بازمی‌گردد و باید به این شناخت دست پیدا کنند.

از سویی باید این واقعیت را پذیرفت که گرچه تلویزیون می‌تواند بستر رشد افراد مستعد باشد، اما اگر به تلویزیون، صرفاً به چشم یک سکوی پرتاب نگاه شود، نمی‌توان انتظار داشت تا افراد موفق در هر کدام از این دو حوزه کشف شوند و به فعالیت خود ادامه دهند.



گفت و گو با سعید پیر دوست، بازیگر سینما و تلویزیون

با کاراکتر رئیس همذات پنداری کردم

زاده صالحی

سعید پیر دوست یکی از بازیگران عرصه سینما و تلویزیون است. او تاکنون در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی بازی کرده است اما بازی در نقش رئیس در سریال پاورچین صرف نظر از این که توانست با اقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شود، شخصیت او را به عنوان بازیگر بیش از پیش در اذهان مخاطبان تثبیت کرد. پسر آدم، دختر حوا، در شهر خیری نیست، ازدواج صورتی، ملاقات با طوطی، دست‌های آلوده، دختر شیرینی فروش، عصر پاییزی، میلیاردر و... برخی فیلم‌ها و سریال‌هایی است که او در آنها به ایفای نقش پرداخته است. فعالیت‌های تلویزیونی این بازیگر بهانه‌ای شد تا با او گفت‌وگویی را انجام دهیم.

شما فعالیت‌تان را در تلویزیون با سریال کارآگاه علوی و نقشی جدی شروع کردید اگر ممکن است درباره چند و چون این سریال توضیح دهید.

بله، شروع اصلی کار من در تلویزیون با سریال «کارآگاه علوی» بود. کارگردانی این سریال را حسن هدایت بر عهده داشت که در نوع خود سریال خوبی بود.

چطور برای بازی در این سریال انتخاب شدید؟

احمد نجفی یکی از دوستان قدیمی من بود و وقتی حرف ساخت این سریال پیش آمد، او مرا برای یکی از نقش‌ها به حسن هدایت پیشنهاد کرد. هدایت هم برای آن نقش از من تست گرفت و قبول شد. در این سریال، نقش رئیس کلانتری بازار را در زمان رضا شاه بازی کردم که در نوع خود نقش جالبی بود. کاراکتر او به گونه‌ای بود که گرچه رئیس کلانتری بود و همه از او می‌ترسیدند ولی آدم تو خالی‌ای بود، از سوی دیگر دستش در کارهای خلاف هم بود و رشوه هم می‌گرفت.

می‌توان گفت نقش شما در سریال کارآگاه علوی

یک نقش خاکستری بود.

همین‌طور است. با این حال، نقشی که در این سریال داشتم به گونه‌ای طنز هم بود و جذابیت‌های خاص خود را داشت. بازی در این سریال به نوعی نقطه عطف فعالیت من در تلویزیون قلمداد می‌شود.

مهم‌ترین مولفه موفقیت‌آمیز بودن این سریال را در چه می‌دانید؟

ویژگی‌های زیادی داشت؛ اول این که از کارگردانی خوبی برخوردار بود ضمن این که داستان منسجم و پر کشش داشت و از طرفی، فضا سازی و لوکیشن‌های مناسبی برای آن در نظر گرفته شده بود.

بعد از آن با مهران مدیری آشنا شدید؟

پیش از آن که با مدیری آشنا شوم، در چند کار دیگر در تلویزیون حاضر شده بودم. بعد هم با او آشنا شدم و قدم به وادی سریال‌های طنز گذاشتم. در ادامه آن هم همان‌طور که می‌دانید در سریال‌هایی چون نقطه چین، پاورچین، شب‌های برره و... بازی کردم که تماماً سریال‌های موفق در زمان خود بوده‌اند و فکر می‌کنم اگر باز هم از تلویزیون پخش شوند، مورد استقبال قرار خواهند گرفت.

خود شما بیشتر به حضور در سریال‌های طنز تمایل دارید یا کارهای جدی؟

چون کارم را با نقش جدی شروع کرده بودم به نقش جدی تمایل دارم. البته نقش‌هایی که بازی کرده‌ام تماماً دارای ته‌مایه‌های طنزآمیز نیز بوده‌اند. مثل نقش کبوتر باز که در «گوزن‌ها» داشتم. به‌طور کلی

نقش‌های جدی

را هم دوست دارم. پیش از این نیز در سینما در فیلم‌هایی چون هتل کارتن، دست‌های آلوده، مزاحم و... در نقش‌هایی ظاهر شده‌ام که گرچه جدی بوده‌اند اما طنزآمیز نیز بوده‌اند.

ایا می‌توان گفت که شما با ایفای نقش در سریال‌های طنز بین مردم شناخته شدید؟

درست است. البته پیش از آن در ۹ فیلم مسعود کیمیایی مانند سفر سنگ، غزل، گوزن‌ها و... بازی کرده بودم، اما حضور در سریال‌های مدیری باعث شد که بیشتر نزد مردم شناخته شوم. حتی خاطر هم هست زمانی که منزلم در شهرک اکباتان بود و شب‌ها همراه همسرم برای پیاده‌روی در محوطه قدم می‌زدیم، مردم بشدت نسبت به شخصیت رئیس استقبال نشان می‌دادند و ابراز محبت می‌کردند. می‌توان گفت، بازی در سریال‌های طنز و به‌طور مشخص در کارهای مهران مدیری خاطرات بسیاری برایم از ابراز محبت مردم به جا گذاشت که در نوع خود فراموش نشدنی است؛ بویژه نقش رئیس که خیلی نزد مردم گل کرد و توانست بخوبی با مخاطب ارتباط برقرار کند.

فکر می‌کنید دلایلش چه بود؟

نقش باورپذیری بود و از اینها گذشته به دلیل این که خود من سال‌ها رئیس امور اداری یک شرکت بودم توانستم با این نقش همذات‌پنداری کنم و آن را به شکلی ملموس ارائه دهم. یعنی همه آن پول از جیب در آوردن، مرمخصی نوشتن و... برای من قابل لمس بود، چون سابقه انجام این

کارها را زمانی که در سمت رئیس امور اداری بودم، داشتم و همه اینها دست به دست هم داد تا بتوانم از عهده نقشی که به من محول شده بود بر بیایم.

اکنون چه پیشنهاد حضور در سریالی طی سال جدید را دارید؟

واقعیت این است که بروز برخی رفتارها باعث شده از تلویزیون فاصله بگیرم و دلزده بشوم. به عنوان مثال دیر پرداخت کردن دستمزدها یکی از مسائلی است که باعث رنجش نه تنها من که بیشتر بازیگران می‌شود. شاید به این دلیل که عمده درآمد ما از راه بازیگری است و مثل برخی از بازیگران نیستیم که در کنار این شغل به باز کردن رستوران یا مشاغل جانبی هم روی بیاوریم. اگر بخواهم در این زمینه اشاره مشخصی داشته باشم باید از سریال «میلیاردر» نام ببرم که هنوز با وجود گذشت دو سال به وعده خود عمل نکرده و دستمزد بازیگرانی مثل مرا پرداخت نکرده‌اند. طبعاً عقب افتادن و این دیرپرداخت‌ها به ما فشار می‌آورد و در تامین امرار معاش ما تأثیر می‌گذارد. تصور می‌کنم به عنوان بازیگری که چهل و چهار سال از عمر خود را صرف حضور در سینما و تلویزیون کرده است باید از حمایت بیشتری برخوردار شوم. البته این فقط حرف من نیست و خیلی از بازیگران دیگر اکنون نسبت به مساله پرداخت دستمزدها ناراحت هستند. ضمن این که فکر می‌کنم سیاستگذاران فرهنگی باید جایگاه آدم‌ها را مشخص کنند. بی‌تردید باید میان کسی که سال‌هاست در این وادی رنج برده و به واسطه عشق و علاقه قلبی خود در حیطه هنر فعالیت کرده و کسی که تازه از گرد راه رسیده تفاوتی باشد. در عین حال، همیشه بر این باور بوده‌ام که باید در زمان حیات هنرمندان از آنها دست‌گیری و دلجویی کرد و برگزاری بزرگداشت و پاسداشت بعد از مرگ هنرمند فایده‌ای برای او ندارد. امیدوارم شرایط به گونه‌ای مهیا شود تا تمام هنرمندان بتوانند در موقعیت‌های رضایت‌بخشی به فعالیت خود ادامه دهند.



گزارشی از پشت صحنه برنامه «هفت» در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر

پوست اندازی «هفت» در شب‌های فجر



عکس‌ها: محسن یوسفی

محبوبه شعاعی

حسابی مشغول کار است! همه آدم‌ها دست به کاری دارند، یکی با ابروهایی گره کرده با سرعت تایپ می‌کند، دیگری سراغ بچه‌های دیگر را پشت تلفن می‌گیرد، یکی از بچه‌ها پذیرایی می‌کند و خلاصه هر کسی مشغول کاری است. اتاقی دیگر پر است از مانیتور و دوربین و دستگاه ضبط و کسانی که معلوم است مشغول مونتاژ و تدوین برنامه‌ای هستند. اینجا محل استقرار برنامه تلویزیونی «هفت» است. تنها برنامه پر بیننده‌ای که اختصاصاً به سینما می‌پردازد. برنامه‌ای که به گفته بسیاری از کارشناسان، در فجر امسال، پوست‌اندازی کرد و توانست مخاطبان بیشتری را پای تلویزیون بنشاند.

محل برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، سالن همایش‌های برج میلاد، طبقه منفی یک، سالن مولوی. آدم‌های زیادی در رفت و آمدند. تکاپویش به تکاپوی برنامه‌های تلویزیونی می‌ماند. محتویات اتاق سه میز بزرگ با صندلی‌های اطرافش و مبلمانی برای مهمان‌ها. محمود گبرلو چهره آشنای این شب‌های شبکه سه در گوشه‌ای پشت میزی نشسته و مشغول حرف زدن و نوشتن چیزی بر روی کاغذ است. معلوم است

آدم نمی‌شود! همیشه کسانی هستند که مشغول کارند و دیگران برایشان غذا می‌گیرند. خانمی از بلندگو اعلام می‌کند: «فیلم با دیگران» به کارگردانی ناصر ضمیری تا لحظاتی دیگر در سالن اصلی اکران می‌شود» بعضی‌ها که کارشان سبک‌تر است به سراغ دیدن فیلم می‌روند. اما گاهی با تلفن‌هایی اضطراری، در میانه‌های دیدن نمایش فیلم دوباره به دفتر بازمی‌گردند.

ساعت شلوغی

نزدیکی‌های ساعت ۷ بعدازظهر است. فیلم «فصل فراموشی فریبا» به کارگردانی عباس رافعی هم اکران شده است و حالا فیلم «شهبازی از جنس نور» به کارگردانی محمدرضا اسلاملو آماده نمایش می‌شود. لابی سالن همایش‌ها خلوت شده و همه به سالن اصلی نمایش فیلم رفته‌اند. اما دفتر هفت حال و هوای دیگری دارد. این ساعت، ساعت شلوغی برنامه است. خیلی‌ها می‌روند و می‌آیند و خیلی‌ها مشغول کارند. علی افشار، دستیار سردبیر در حال گپ و گفت با بچه‌هاست تا راهکارها را نشان دهد.

سعیده خدابخش، مسئول هماهنگی مهمانان برنامه در سالن قدم می‌زند و با یکی از مهمانان پشت تلفن حرف می‌زند تا برای ساعت یک شب آمدنش را هماهنگ کند. مسئول تدارکات برنامه نیز از عوامل خسته و پرکار پذیرایی می‌کند. بچه‌های اتاق خبر(بخشی که در ایام جشنواره به برنامه هفت اضافه شد) پشت کامپیوترهایشان مشغول پیدا کردن خبر هستند. این ساعت کمتر کسی به دیدن فیلم می‌رود.

محمود گبرلو و مرتضی نصیری درباره نحوه برگزاری برنامه شب در حال گفت‌وگو هستند. در این جلسات معمولاً بخش‌های برنامه، تعداد و اسامی مهمانان و خلاصه همه آنچه که قرار است در نزدیک به ۳ ساعت برنامه بگذرد مطرح می‌شود.

کنداکتور چیده شده و روی آن بحث می‌شود. مدام از اتاق موتورهای صداهای مختلفی به گوش می‌رسد. صدای بخش‌هایی که قرار است تدوین شوند، صدای مردمی که پشت میکروفن گزارشگران برنامه حرف زده‌اند، صدای نشست‌های خبری و...

وقتی همه خوابیم

فیلم «ناخوابه» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد تازه تمام شده که گزارشگران هفت دارند درباره فیلم با خبرنگاران

اندک اندک جمع مستان می‌رسند

نزدکی به ساعت یک بعدازظهر کم‌کم عوامل بیشتری از راه می‌رسند. مرتضی نصیری، مدیر تولید برنامه که در واقع همه کارهای به دوش اوست با کلاهی هنری بر سر و لیخندی به لب از راه می‌رسد. آثار خستگی شب قبل در چهره خندانش نمایان است. همان اول برنامه‌ای از کارهایی که تا آن ساعت انجام شده است، می‌گیرد. سری به بچه‌های تدوین می‌زند تا ببیند چه آیت‌هایی برای برنامه شب آماده کرده‌اند. چند تلفن می‌زند و هماهنگی‌هایی را انجام می‌دهد. نزدیک ساعت ناهار است و بچه‌ها تک‌تک و دسته‌دسته به سمت سالن غذاخوری می‌روند. اما هیچ‌وقت سالن مولوی خالی از

اولین فیلم در ساعت ۱۰ اکران شده و بلندگو هر لحظه گزارشی از وضع اکران فیلم را در کل سالن همایش‌ها، پخش می‌کند. فیلم «متروپل» به کارگردانی مسعود کیمیایی تازه تمام شده و نشست نقد و بررسی‌اش در حال برگزاری است. گزارشگران و فیلمبرداران درباره گزارش‌هایی که گرفته‌اند با فهیمه پناه‌آذر روابط عمومی و مسئول هماهنگی گزارشگران حرف می‌زنند و سوژه‌های بعدی‌شان را می‌گیرند.

گزارش از فرش قرمز فیلم‌ها، واکنش مردم بعد از دیدن فیلم، نشست‌های پرسش و پاسخ، حواشی برگزاری جشنواره و همچنین گزارش‌هایی از سینماهای مردمی، سوژه‌هایی هستند که گزارشگران هفت درباره آنها حرف می‌زنند.

جذابیت‌های اتاق خبر

یکی از ویژگی‌های سری برنامه‌های هفت ویژه سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، تشکیل یک اتاق خبر با حضور سه خبرنگار فعال در رسانه‌ها بود و احسان هوشیارگر، محمدصادق لواسانی و فهیمه پناه‌آذر اخبار روز جشنواره را در این اتاق نقل می‌کردند. نکته قابل توجهی که سبب شد تا بخش تازه اضافه شده اتاق خبر، به چشم بیاید و مورد توجه مردم، اهالی رسانه و هنرمندان و برپاکنندگان جشنواره واقع شود، ارائه اطلاعات تکمیلی حاصل گفت‌وگوهای اختصاصی خبرنگاران حاضر در این برنامه بود ضمن آن که اشراف هر سه خبرنگار بر حوزه خود، سبب شد تا این بخش، همانقدر جذاب شود که از آن انتظار می‌رفت.



برنامه هفت براساس سنت نیک هر ساله‌اش، در تمام ده روز برگزاری جشنواره فیلم فجر، در این جشنواره حضور دارد و هر شب برنامه ویژه‌ای را از برج میلاد روی آنتن می‌برد. برنامه همیشه در ساعت‌های پایانی روز و بعد از اکران همه فیلم‌ها روی آنتن می‌رود. در واقع کار اصلی برویچه‌های برنامه در ساعت‌های پایانی شب یعنی نزدیک به ۱۲ نیمه شب تا ۳ صبح شروع می‌شود! ساعت ۱۰ صبح از آرام‌ترین لحظات این اتاق است، گرچه سالن همایش‌ها به خاطر اکران فیلم کیمیایی شلوغ‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. برنامه شب قبل تا ساعت ۳ ادامه داشت و گویا عواملش بین ساعت ۵-۶ صبح به رختخواب رفته‌اند! اما تدوینگران مشغول کارند.

حامد سنوبری، مدیر هنری برنامه امسال تلاش زیادی کرد تا بتواند قالب‌های جدیدی برای بخش‌ها ارائه دهد. تدوینگران برنامه باید گزارش‌هایی را که گزارشگران برنامه گرفته‌اند تا ساعت ۹ شب تدوین کنند و به گبرلو نشان بدهند.

یکی از پرتلاش‌ترین خبرنگاران و گزارشگران تلویزیونی محسن سرافراز است که در هفت، بیشتر توانست کار خود را نشان بدهد.

او امسال گپ‌های زیادی گرفته که البته به گفته خودش بخشی از آنها در روزهای اولیه جشنواره فرصت پخش به دست نیاوردند. با صلاح‌دید سردبیر برنامه، دو گزارشگر دیگر (مجید معافی و سمیه مردانی) هم به گزارشگران جشنواره‌ای هفت اضافه شده‌اند.

اتاق تدوین الان از شلوغ‌ترین اتاق‌هاست. در گوشه‌ای از اتاق تدوین پارتیشنی کشیده شده و پشتش رختخوابی پهن است.

معلوم است اینجا اتاق چرت‌های گهگاهی است. ساعت نزدیک ۱۲ است که صدای اذان ظهر شنیده می‌شود. گزارشگران با میکروفن‌های در دست و دوربین‌هایی روی دوش کم‌کم از راه می‌رسند.

منتقدانی که از سالن بیرون می‌آیند، حرف می‌زنند. اندک‌اندک لابی سالن همایش‌ها خلوت می‌شود. تک و توک کسانی را می‌بینی که در حال بالا و پایین رفتن از پله‌ها یا قدم زدن در بالکن هستند. کل این ساختمان پنج طبقه خالی از آدم می‌شود، اما در اتاق هفت ماجرا طور دیگری است. الان شلوغ‌ترین ساعت آماده‌سازی برنامه است. هر کسی به طرفی می‌رود تا کارهای عقب‌مانده‌اش برای برنامه امشب را حل و فصل کند.

بچه‌های صداوسیما آمده‌اند تا پخش زنده را از استودیوی هفت روی آنتن شبکه سه بفرستند. مهمان‌ها رسیده‌اند. سرعت در این اتاق چند برابر شده. دیگر به لحظات پخش نزدیک می‌شویم و بچه‌ها کم‌کم به استودیوی پخش می‌روند.

شروع تکاپو از استودیو

نیمه اول برنامه هفت تمام شده، اما نیمه دوم آن هنوز باقی مانده است. نیمه‌ای که حساس‌تر از نیمه دوم است و به قول کارشناسان فوتبال، نیمه مربیان است!

محمود گبرلو خود را برای اجرا آماده می‌کند. مروری بر سرمقاله دارد و با فرهاد پوربصیر کارگردان تلویزیونی برنامه مشورت می‌کند. پوربصیر معتقد است آپارات قدیمی که در شب‌های اول در دکور برنامه قرار داده شده بود گرچه برای مردم جذاب و برای اهالی سینما خاطره‌انگیز است، اما جای مانور حرکتی دوربین در استودیوی کوچک و کم‌عمق استودیوی برج میلاد را می‌گیرد. او پیشنهاد می‌دهد دوربین قدیمی فیلمبرداری در دکور باقی بماند و آپارات از دکور حذف شود. پیشنهادی که مورد قبول



گبرلو واقع می‌شود.

احمد پولی‌بابایی موسیقی بعد از تیتراژ برنامه را با مرتضی نصیری مدیریت تولید و دستیار تهیه هماهنگ می‌کند و با شروع سرمقاله زیرصدای مجری، این موسیقی پخش می‌شود. البته این قطعه موسیقی که به فیلم زادبوم (یکی از برندگان سیمرغ جشنواره در دوره‌های گذشته) اختصاص دارد در تیتراژ پایانی هفت هم شنیده خواهد شد.

با اعلام النا یوری، تیتراژ برنامه هفت پخش می‌شود و گبرلو پس از سلام همیشگی‌اش و یاد خالق زیبایی‌ها، بینندگان را به دیدن وله آماده شده از روزهای برپایی جشنواره در روزهای برفی تهران دعوت می‌کند. نماهنگی که سارا کالاله تدوینگر خلاق این برنامه آن را با ریتم جذاب موسیقی سر و شکل داده پخش می‌شود و پس از آن برندگان مسابقه پیامکی جشنواره در برنامه قبلی هفت و پرسش پیامکی مسابقه جدید مطرح می‌شود. بیشتر پرسش‌های برنامه هفت، در روزهای جشنواره به ارزیابی مردم درباره بهترین بازیگران دوران مختلف این رویداد اختصاص داشته و به همین دلیل، با استقبال بالایی روبه‌رو شده است.

البته یکی از دلایل این استقبال جایزه ویژه‌ای است که از سوی برنامه هفت برای برگزیدگان در نظر گرفته شده و از برنامه سوم، دبیر جشنواره و مدیرعامل موسسه رسانه‌های تصویری هم به جمع اهداکنندگان جایزه اضافه شده‌اند.

دستیار سردبیر برنامه پرسش پیامکی را با مهدی نادریان مسئول فعال و پرتلاش امور رایانه‌ای برنامه هماهنگ می‌کند. او پرسش را در قالب زیرنویس آماده

پوشش خارج از برج

یکی از ویژگی‌های امسال برنامه هفت در سی و دومین دوره جشنواره فیلم فجر، پوشش همه برنامه‌های این رویداد سینمایی بود. اگر خبرنگاران رسانه‌ها، عمدتاً پوشش اتفاقاتی که در سالن سینمای مرکزی جشنواره (برج میلاد) را در برنامه دارند، تصویربرداران و گزارشگران برنامه هفت، با حضور در نقاط مختلف شهر، تهیه گزارش‌های مردمی، گفت‌وگو با حاضران در سینماها، تهیه گزارش از کارگاه‌ها تخصصی و دیگر بخش‌های جشنواره، اتفاقاتی از جشنواره را روایت می‌کرد که همه مردم نتوانسته بودند در آنها شرکت کنند یا از طریق سایت‌ها و روزنامه‌ها در جریان آن قرار بگیرند.

می‌کند و سایر اطلاعات مهمانان برنامه و نیز هنرمندانی که به صورت تلفنی پشت خط استودیو می‌آیند، توسط او سروشکل می‌گیرد.

بخش‌های جشنواره یکی پس از دیگری روی آنتن می‌رود تا نوبت به مهمانان امروز برنامه می‌رسد.

یکی از بخش‌های ویژه امسال هفت، مرور بر پرکارهای جشنواره در رشته‌های مختلف است که توسط فوژان احمدی روایت می‌شود. بخشی که به گفته یکی از دست‌اندرکاران برنامه، با توجه به خبرهای ضدونقیضی که در خصوص پذیرفته شدن یا نشدن فیلم‌ها به گوش می‌رسید، تهیه آن کمی سخت‌تر از حد معمول بوده است.

مهمانان ویژه

کیانوش عیاری، بهروز افخمی، محمدمهدی عسگرپور، کمال تبریزی، سیدرضا میرکریمی، سامان سالور، حمید نعمت‌الله، هادی مقدم‌دوست، مصطفی کیایی، مسعود ده‌نمکی، مهدی فخیم‌زاده، صابر ابر، هومن سیدی، امیر جعفری، مهدی پاکدل، بهنوش طباطبایی، رویا نونهالی، هنگامه قاضیانی، جواد عزتی، برزو ارجمند، نازنین بیاتی، امین حیایی، میلاد کی‌مرام و... از جمله مهمانانی هستند که در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر در استودیوی هفت حاضر شدند.

بخش اول به اتاق خبر اختصاص دارد، شور و حال تازه‌ای که اتاق خبر به برنامه هفت داده، سبب شده تا بسیاری از برج‌نشینان از این بخش تازه استقبال کنند. و بخشی از اظهار نظرها و شوخی‌ها، در روز بعد از پخش برنامه، دهان‌به‌دهان بین بر و بچه‌های رسانه‌های بگرد.

مهمانان برنامه قبل از ورود به استودیو، زیردستان گریمر برنامه قرار می‌گیرند تا چهره‌هایشان براساس میزان نور موجود در استودیو آماده شود.

محمدصادق لوازانی علاوه بر حضور در اتاق خبر، عضو ثابت تحریریه برنامه هفت است و به همین دلیل، او بلافاصله پس از پایان اتاق خبر به سراغ لب‌تاپ معروف و جمع و جور خودش می‌رود تا خبرهای زیرنویس، برنامه فردای بخش‌های مختلف جشنواره در



برج میلاد را آماده کند. حمیدرضا کوپز صدای مهمانان را برای نشستن چک می‌کند و توج مجد در کنار دیگر تصویربرداران، بر نور و تصاویر استودیو بویژه در زمان‌هایی که بر تعداد مهمانان اضافه یا کم می‌شود، با دقت کنترل دارند.

برزو نیک‌نژاد، محمدعلی اسلاملو، سیدامیر سیدزاده، الناز حبیبی، امین زندگانی و هنگامه قاضیانی از حاضران در استودیو هستند. استودیو در طبقه منفی دو قرار دارد. نصیری، خدابخش، اسماعیل عابدین و عوامل پشت صحنه و دیگران مدام در حال دویدن از پله‌ها هستند. ساعت ۱۱ و ۵۷ دقیقه است و برنامه شروع شده است.

قاضیانی اولین مهمان برنامه است. عوامل پشت صحنه، بیرون از در، از مانیتوری خارج از استودیو در حال تماشای برنامه هستند. حوالی ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه است که قاضیانی از اتاق بیرون می‌آید و بچه‌های اتاق خبر خودشان را برای رفتن به داخل استودیو آماده می‌کنند. با سه، دو، یک مرتضی نصیری برنامه بعد از مکثی کوتاه ادامه پیدا می‌کند.

مرتضی نصیری بیشتر از همه در تکاپوست. بخش‌های مختلف برنامه هر کدام یکی بعد از دیگری روی آنتن می‌روند. ساعت نزدیک به ۳ است که برنامه تمام می‌شود.

گبرلو از اتاق بیرون می‌آید. مهمان‌ها رفته‌اند. عوامل سازمان آماده رفتن می‌شوند. سالن همایش‌ها خالی از آدم شده است. فقط خدماتی‌ها مشغول تمیز کردن کل سالن‌ها هستند.

برق‌ها خاموش است و جز از استودیو، صدای دیگری به گوش نمی‌رسد. بخش‌های مختلف برنامه هفت ویژه جشنواره یکی پس از دیگری پخش می‌شوند و برنامه با بخش نقد به پایان می‌رسد.

کاری که هر چه به روزهای پایانی جشنواره نزدیک می‌شویم برای بر و بچه‌های هفت، سختی و دشواری‌های روز اول را ندارد. تازه همه گرم شده‌اند که جشنواره به پایان می‌رسد!

تلاش جمعی گروه سازنده برنامه در ده شب جشنواره سی و دوم فیلم فجر، امسال در حد بیشتری نسبت به گذشته به چشم آمده است. آمار پیامک‌ها و نقطه‌نظراتی که از مردم به روابط عمومی برنامه می‌رسد، این میزان توفیقی را در یک سال و نیم فعالیت تیم جدید برنامه هفت تأیید می‌کند.



هفتی که می‌خواستیم

احمدرضا علیزاده

هفتی که مدت‌ها بود انتظارش را می‌کشیدیم در روزهای سی و دومین جشنواره فیلم فجر روی آنتن رفت. برنامه‌ای جذاب و خوش‌ریتم که در آن می‌شود نقاط ریز و درشت متن و حاشیه جشنواره را دنبال کرد بدون آن که برنامه، دچار حاشیه‌سازی و جنجال کاذب شود یا جو نامطلوبی را به وجود آورد.

نکته مهم این برنامه در سری جدید، نزدیکی آن به سلیقه مردم است و این اصل در روزهای جشنواره، بیش از گذشته نمایان شد. هفت محمود گبرلو، قصد دارد مردم از سینما دلزده نشوند، به هنرمندان احترام بگذارد و سینما را دوست داشته باشند. این رویکرد، در فضای فعلی به نفع سینمای ایران است و البته درست عکس آن چیزی است که در روزهای اولیه تولد هفت، در این برنامه رخ می‌داد.

حالا دیگر گذشته هفت، گذشته و مردم با سری جدید این برنامه، ولو با نقاط ضعفی که بیشتر ناشی از سرعت و حجم بالای کار است تا چیز دیگر، کنار آمده‌اند.

محمود گبرلو مجری و سردبیر برنامه هفت (که یکی دو ماه است به جای علی قانع تهیه‌کنندگی این برنامه را هم بر عهده گرفته) در سری برنامه‌های ویژه جشنواره، توانست با تغییرات عمده‌ای که در شیوه اجرای خود به وجود آورد، به عنوان نمایندگان افکار



عمومی، با مهمانان برنامه، ارتباط بهتری برقرار کند و همین تحول، سبب شد تا اجرای او برای مخاطبان این برنامه هم، جذاب‌تر از قبل به نظر بیاید. در این زمینه یکی از نکات مهم، نقدپذیری این مجری و تهیه‌کننده است که مانع تکراری شدن و درجا زدن برنامه هفت طی یکی دو سال اخیر شده است. گبرلو همیشه به مشورت‌های کارشناسان رسانه و نقدهایی که در رسانه‌ها درباره اجرا و تولید این برنامه شده، اهمیت داده و به نظر می‌رسد از این پس هم توجه به نقطه‌نظرات کارشناسانه (چه منفی و چه مثبت) خواهد توانست تنها برنامه تخصصی و جدی سینمایی رسانه ملی را که «برای سینمای ایران» ساخته می‌شود و روی آنتن می‌رود، قوی‌تر و جذاب‌تر کند.

یکی دیگر از دلایل موفقیت هفت، مشارکت جمع زیادی از هنرمندانی است که پیش‌تر در این برنامه و در برنامه‌های تلویزیونی دیگر، نمی‌شدردی از حضور آنها دید و اولین حضورشان در این برنامه، با استقبال جالب‌توجهی از سوی مخاطبان این برنامه مواجه شد.

هفت، اگر می‌خواهد برای سینمای ایران باشد، باید بتواند وقتی رویه مردمی خود را حفظ کرد و به شرایط ثبات رسید، تلاش کند تا روی ارتقای سطح سلیقه‌ها هم کار کند. کاری که البته در قالب سرمقاله‌های متفاوت و گاه انتقادی و تابوشکن (که غالباً مورد پذیرش اهالی سینما و افکار عمومی واقع می‌شدند) و با برگزاری میزگردها و مناظره‌ها (در بخش پرده آخر)، بارها و بارها در این برنامه مطرح شده است اما در شرایطی که مخاطب گسترده‌تری به جمع مخاطبان تخصصی این برنامه اضافه شده‌اند، تداوم این طرز فکر خواهد توانست هفت را به برنامه‌ای جریان‌سازتر و موثرتر از همیشه بدل کند.

یک نگاه زنانه به دفاع مقدس است و سعی کرده انتظار یک مادر را که نمونه‌ای از زنان منتظر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بوده است، به تصویر بکشد. این فیلم یکی از فیلم‌هایی بود که وقتی در کاخ جشنواره روی پرده رفت، با استقبال مخاطبان مواجه شد و ابراهیم حاتمی‌کیا نیز که برای دیدن این فیلم به کاخ جشنواره آمده بود، بعد از تماشای فیلم در گفت‌وگو با خبرنگاران فیلم «چ» را به فیلم «شیار ۱۴۳» تقدیم کرد. او درباره این فیلم گفت: این فیلم امید می‌دهد و در اوج ناامیدی، امیدبخش است و دقیقاً همین نکته معجزه فیلم شیار ۱۴۳ است؛ فیلمی که زبان و بیان مذهبی دارد و دروغ نمی‌گوید. شیار ۱۴۳ یک فیلم شیعه و درباره انتظار است. در این فیلم مریلا زارعی که بازی‌اش مورد توجه داوران جشنواره واقع شد، نقش الفت مادری را بازی می‌کند که سال‌ها در انتظار پسرش است که به جبهه رفته؛ گلاره عباسی، مه‌رمان احمدی، جواد عزتی، بدالله شادمانی، زهرا مرادی و حمیده صادقی از بازیگران این فیلم هستند.



تصویری از فیلم «شیار ۱۴۳»

روایت‌های تازه کارگردان‌های ایرانی از دفاع مقدس پر طرفدار بود

نگاه پررنگ کارگردان‌ها به دفاع مقدس در فجر ۳۲

مریم احمدی

داد و از فیلم‌هایی است که می‌تواند پس از پایان نمایش عمومی، راهی تلویزیون شود و برای مخاطب گسترده این رسانه پخش شود.

تلفیق ادبیات و سینما در پنجاه قدم آخر



تصویری از فیلم «پنجاه قدم آخر»



تصویری از فیلم «پنجاه قدم آخر»

دفاع مقدس عنوانی است که سال‌هاست با تفکر ما عجین شده و در تمام زوایای زندگی ما ریشه دوانده است. دفاع مقدس با سینما، تئاتر و دیگر هنرهای ما نیز در هم تنیده و هنر در ذات خود مجالی برای تصویر و بیان آن رشادتها و وقایع تلخ و شیرینی است که مردان و زنان بسیاری برای همیشه بر تارک تاریخ این مرز و بوم به یادگار گذاشته‌اند.

امسال در جشنواره فیلم فجر شاهد ۹ فیلم با موضوع دفاع مقدس بودیم؛ فیلم‌هایی که بیشتر آنها، هم طرفدار مردمی داشتند، هم نظر منتقدان و کارشناسان سینمایی را به دست آوردند و هم از نظر داوران این دوره از جشنواره، جزو فیلم‌های مهم امسال به شمار می‌رفتند. نکته جالب توجه دیگر، قابلیت‌های بالای این دست فیلم‌ها برای پخش از تلویزیون (بعد از پایان نمایش عمومی و توزیع در شبکه ویدئویی کشور) است. در سال‌های گذشته بسیاری از فیلم‌های تولید شده سینمایی ایران که روی پرده سینماها رفتند، به دلیل این که نمی‌توانستند با مخاطبان انبوه تلویزیون ارتباط برقرار کنند، این فرصت را به دست نیاوردند که از تلویزیون پخش شوند، اما امسال علاوه بر فیلم‌های متنوعی که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده و با استقبال مخاطب روبه‌رو شده‌اند، فیلم‌های دفاع مقدسی، به عنوان قله‌های بلند این دوره از جشنواره، از این قابلیت برخوردارند.

چ؛ روایتی که جایش در سینما خالی بود

ابراهیم حاتمی‌کیا کارگردانی است که با ساخت ۱۷ فیلم با موضوع دفاع مقدس نام‌آشنا تر از دیگر فیلمسازان این عرصه است و می‌توان او را قهرمان بلامنامع سینمای دفاع مقدس نامید. او امسال با فیلم «چ» در جشنواره فجر حضور داشت. فیلم «چ» که چهاردهم بهمن در سومین روز جشنواره به نمایش درآمد؛ از روز بیست و پنجم تا بیست و هفتم مرداد ۱۳۵۸ زندگی شهید چمران را روایت می‌کند؛ روزهایی که امام خمینی (ره) در فرمانی مهلت بیست و چهار ساعته‌ای به دولت و ارتش دادند تا حصر پناه را بشکنند و منطقه را از وجود تروریست‌های کومله و دموکرات پاکسازی کنند. فریبرز عرب‌نیا، بابک حمیدیان، سعید راد، مریلا زارعی، مهدی سلطان‌ی و خسرو شهرآز از بازیگران این فیلم بودند.

این فیلم علاوه بر این که از نظر مردم جزو فیلم‌های برتر بود، نظر کارشناسان و داوران را نیز به خود اختصاص

میهمان داریم؛ روایت متفاوت انتظار

محمد مهدی عسگری پور که سال‌های گذشته در تلویزیون فعال تر از سینما بود و چند سالی به دلیل کارهای اجرایی در خانه سینما و درگیری با حواشی آن، نتوانست فیلم بسازد، امسال بالاخره طلسم را شکست و فیلم «میهمان داریم» را با موضوع دفاع مقدس ساخت. این فیلم در روز ششم جشنواره فیلم فجر در بخش سودای سیمیرغ نمایش داده شد و در بخش بین‌الملل جشنواره نیز مورد توجه داوران قرار گرفت.

«میهمان داریم» داستان پدر و مادری است که سه فرزندشان شهید شده‌اند و تصمیم می‌گیرند تا تنها پسر جانباز خود را از آسایشگاه به خانه منتقل کنند. خبر آمدن یک میهمان گرانقدر، کارهای زمین مانده و دلشوره پذیرایی، دغدغه‌های پیش روی آنهاست. پرویز پرستویی، آهو خردمند، محمد صادقی، بهروز شعبانی، سهیلا گلستانی و مهدی صادقی از بازیگران این فیلم هستند. «میهمان داریم» به دلیل مضمون معنوی و روایت متفاوتش از انتظار، از فیلم‌هایی است که برای پخش از شبکه‌های تلویزیونی در آینده، جزو بهترین گزینه‌ها خواهد بود.

روایت جهانگیر الماسی از یک زن آزاده

«رنج و سرمستی» دیگر فیلمی بود که امسال با مضمون دفاع مقدس در جشنواره سی و دوم فیلم فجر در بخش نگاه نو شرکت کرد. این، اولین ساخته جهانگیر الماسی بود که بعد از سال‌ها بازیگری، تهیه‌کنندگی و ساخت فیلم‌های کوتاه، به پشت دوربین فیلمسازی حرفه‌ای آمد و اولین فیلم بلند خود را در کارنامه‌اش ثبت کرد. فیلم الماسی هم روایت متفاوتی از یک آزاده زن در دوران دفاع مقدس با ساختاری متفاوت را به تصویر کشید. «رنج و سرمستی» روایت مشترکی از جنگ رژیم بعث با ایران و جنگ آمریکا با عراق است که مضمون آن درباره صنایع پیشرفته کشورمان در عرصه‌های هوا فضاست و قرار است در آن تلاش‌های مردم ایران برای پیشرفت کشور در خلال جنگ به نمایش درآید.

محور قصه زندگی زنی است که در جنگ ایران و عراق اسیر شده و به عراق رفته و پس از سال‌ها به ایران بازمی‌گردد و با ماجراهایی گوناگون روبه‌رو می‌شود.

کیومرث پوراحمد که ماندگارترین اثرش (قصه‌های مجید) را در تلویزیون ساخته و آثار دیگرش نیز بارها و بارها از این رسانه روی آنتن رفته، امسال بار دیگر به فیلمسازی در عرصه سینمای دفاع مقدس روی آورد. او که پیش از این فیلم «اتوبوس شب» را با موضوع دفاع مقدس ساخته است، در جشنواره امسال دومین فیلم خود در این حوزه به نام «پنجاه قدم آخر» را به نمایش درآورد. این فیلم سرگذشت واقعی یکی از نیروهای اطلاعات عملیات لشکر زرهی هشت نجف اشرف در عملیات والفجر ۴ را نمایش می‌دهد که برای شناسایی به یک منطقه مین‌گذاری شده در خاک عراق می‌رود و ۱۷ روز تمام با پای زخمی انتظار می‌کشد تا بالاخره به کمکش می‌آیند. بابک حمیدیان و طناز طباطبایی از بازیگران این فیلم هستند که فیلمنامه آن به‌وسیله کیومرث پوراحمد و با مشاوره حبیب احمدزاده به نگارش درآمده است. حضور احمدزاده در نگارش فیلمنامه این فیلم سینمایی، گرچه شاید به خلق بهترین نتیجه منتهی نشده است، اما اتفاق درست و لازمی است که ای کاش، از این پس جدی‌تر گرفته شود.

آنچه مسلم است پوراحمد، بدون حضور و مشاوره احمدزاده نمی‌توانست این فیلم را بسازد، کما این که در خلق اتوبوس شب، این اتفاق به بهترین شکل رخ داد و یکی از بهترین فیلم‌های پوراحمد و بهترین کارهای دفاع مقدس در دهه گذشته تولید شد.

نگاه زنانه به دفاع مقدس

«شیار ۱۴۳» دومین فیلم نرگس آبیاری است که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. این فیلم برگرفته از

آبیاری: «شیار ۱۴۳» را به تلویزیون تقدیم خواهیم کرد

نرگس آبیاری، کارگردان فیلم شیار ۱۴۳ درباره چگونگی شکل‌گیری این داستان در ذهنش به خبرنگار ما گفت: این اثر ما به ازای بیرونی دارد و زمانی با شخصیت الفت آشنا شدم که در حال تحقیق برای نگارش یک رمان بودم؛ البته این شخصیت در آن رمان هست، اما در رمان شخصیت‌های دیگری هم هستند که در کنار الفت تعریف شده‌اند و از شخصیت الفت به دلیل ویژگی‌های دراماتیک بسیاری که داشت، برای تصویر این فیلم سینمایی استفاده کردم.

وی ادامه داد: همین که ۱۵ سال رادیوی پسرش را به کمر بسته بود و خبر آزادی پسرش را به اشتباه به او دادند، واقعیت‌هایی بود که در این فیلم به صورت مستقل به آنها پرداختم. آبیاری درباره اکران عمومی این اثر افزود: خب من خیلی به گیشه فکر نمی‌کنم. اما خدا رو شکر با توجه به بازتابی که در سینماهای مردمی داشته است، به گیشه آن نیز امیدوار شده‌ام. وی درباره نمایش این اثر در تلویزیون گفت: پس از اکران عمومی و سینمای خانگی، «شیار ۱۴۳» را به تلویزیون تقدیم خواهیم کرد تا همه مردم ایران آن را ببینند. ما فیلم می‌سازیم که مردم آن را ببینند و تلویزیون فرصت بسیار مناسبی برای جذب مخاطب به آثار سینمایی است.



ماه‌چهره خلیلی، شهرام پوراسد، مهدی صباغی، هرمز سیرتی، احمد کاوری و حسین خانی‌بیک از بازیگران این فیلم هستند.

زندگی عاشقانه شهید مدق

«دلنگی‌های عاشقانه» سومین فیلم بلند سینمایی رضا اعظمیان نیز از آثار دفاع مقدسی حاضر در جشنواره امسال بود که پس از یک سال سرانجام روی پرده رفت و به زندگی شهید سیدمنوچهر مدق و همسرش فرشته ملکی می‌پرداخت. این فیلم در واقع داستان فرشته و منوچهر است که هنگام بازگشت از ماه عسل متوجه حمله نیروهای عراقی به ایران شده و زندگی عاشقانه‌شان دستخوش تغییراتی می‌شود.

محمدرضا فروتن، میترا حجار، رویا تیموریان، شاهرخ فروتنیان، سیامک اطلسی، مریم کواپانی و شیوا خنیگر از بازیگران این فیلم هستند که در بخش سودای سیمرغ این دوره از جشنواره روی پرده رفت و به نظر می‌رسد از کارهایی باشد که در آینده مخاطبان انبوه تلویزیونی خواستار دیدن این فیلم از رسانه ملی باشند.

معراجی‌ها؛ هدیه به تلویزیون به سینمای دفاع مقدس

مسعود دهنمکی امسال هم در جشنواره فیلم فجر و با فیلم «معراجی‌ها» که بار دیگر از دستمایه دفاع مقدس بهره می‌برد، حضور داشت.

محمد که علاقه‌مند رفتن به جبهه است، با شرط‌های عجیب و غریب پدرش مواجه می‌شود؛ با وجود این که به شرط‌های پدرش عمل می‌کند، اما راه رفتن او به جبهه همچنان بسته است تا این که از خانه فرار می‌کند و پدر دنبال او راهی جبهه می‌شود.

دهنمکی: نسخه تلویزیونی معراجی‌ها، کامل تر است

اشاره کرد و افزود: از ابتدا قصد داشتم نسخه سینمایی یک داستان کاملا جنگی باشد، اما سریال داستان‌های متعدد دیگری اعم از عاشقانه و اجتماعی را در خود جای دهد. کارگردان «خراجی‌ها» درباره وضع فیلمسازی سینمای ارزشی و دفاع مقدس بیان کرد: معتقدم سینمای دفاع مقدس کار خودش را می‌کند و به جلو می‌رود و هیچ‌گاه نمی‌توان این سینما را متوقف کرد و مغفول نخواهد ماند.

مسعود دهنمکی، کارگردان این اثر در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: ایده اولیه این کار را از خاطرات طی زمان جنگ برداشت کردم و در ادامه طرح اولیه آن را نوشتم و سپس قصه را گسترش دادم. وی ادامه داد: بیشتر صحنه‌های این اثر برگرفته از واقعیت است و خودم این اتفاق‌ها را با چشم در دوران جنگ دیده‌ام. دهنمکی به نسخه سینمایی و تلویزیونی معراجی‌ها



صحنه‌ای از فیلم معراجی‌ها



صحنه‌ای از فیلم عاشق‌ها ایستاده می‌بندد

در تلویزیون است. در واقع معراجی‌ها، هدیه تلویزیون به سینمای دفاع مقدس و جشنواره سی و دوم فیلم فجر به شمار می‌رود؛ فیلمی که اکران عمومی آن پس از پایان جشنواره آغاز می‌شود و نسخه تلویزیونی آن هم سال آینده روی آنتن خواهد رفت. تعاملی که شاید زمینه‌ساز همکاری‌های پررنگ‌تر بین سینما و تلویزیون در آینده باشد.

وقتی دشمن دوست می‌شود

«عاشق‌ها ایستاده می‌بندد» اولین فیلم شهرام مسلخی که در جشنواره سی و دوم فیلم فجر برای مردم و منتقدان به نمایش درآمد، جزو فیلم‌هایی است که روایتی متفاوت از سینمای دفاع مقدس در آن تصویر می‌شود و تأثیرات جنگ روی زندگی دشمن در دوربین سازنده‌اش به ثبت رسیده است؛ فیلمی که با بازی سروش صحت، لعیا زنگنه، پوریا پورسرخ و شوان عطوف بازیگر شناخته‌شده عراقی ساخته شد و به عنوان اولین اثر سازنده‌اش به طور نسبی با استقبال روبه‌رو شد.

خانه‌های کنار ابرها؛ روایتی جذاب

یکی از فیلم‌هایی که ساخته شدنش در کارنامه نمایشی دفاع مقدس لازم به نظر می‌رسد و از ویژگی‌های لازم برای پخش از شبکه‌های تلویزیونی برخوردار است، فیلم «خانه‌های کنار ابرها» نخستین ساخته سیدجلال دهقانی اشکذری است. این فیلم داستان دو جوان در زمان جنگ را روایت می‌کند که به دلایلی وارد خانه‌ای می‌شوند که پسرشان به جبهه رفته است. این دو نفر با آن خانواده آشنا می‌شوند و اتفاقات جذابی در ادامه برای آنها رخ می‌دهد. این فیلم نیز از فیلم‌هایی بود که به دلیل روایت جذاب و صادقانه خود از دفاع مقدس، مورد توجه قرار گرفت و در بخش نگاه نو از سوی داوران دیده شد. هدایت هاشمی،



صحنه‌ای از فیلم معراجی‌ها

حامد کمیلی، آفرین عبیسی و نگار عابدی از بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

سوژه‌هایی که کارگردانان سینمای دفاع مقدس امسال سراغ آن رفته‌اند، سوژه‌هایی متنوع هستند؛ ما امسال برشی از زندگی چمران را در فیلم «چ» حاتم‌کیا دیدیم، انتظار پانزده ساله الفت را در «شیار ۱۴۳» برای فرزندی که به جبهه رفت و دیگر برنگشت، زندگی عاشقانه شهید سیدمنوچهر مدق و همسرش در «دلنگی‌های عاشقانه» را هم دیدیم، با هرمز مهندس‌سی که در «پنجاه قدم آخر» کیومرث پوراحمد به جبهه رفت، همراه شدیم و فیلم‌های دیگر با آدم‌های دیگری در جبهه‌ها روی پرده سینمای جشنواره امسال آمدند تا ثابت کنند که هنوز جنگ هشت ساله ظرفیت‌های زیادی برای فیلمسازان دارد.

الماسی: دین خود را ادا کردم



جهانگیر الماسی، کارگردان فیلم سینمایی «رنج و سرمستی» در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره این که چرا در نخستین ساخته سینمایی‌اش به سمت سوژه‌ای با محوریت دفاع مقدس رفته است، گفت: هم‌زمان با پدیده انقلاب اسلامی، درس و دانشگاه من به پایان رسید و تا خواستم وارد بازار کار شوم، جنگ شروع شد و بخش اعظمی از انرژی جوان‌های هم‌نسل من صرف جنگ و مبارزه شد. وی ادامه داد: من به عنوان یک مسلمان و ایرانی هیچ‌گاه ظلم‌ها و جنایت‌های صدام و کشورهایی را که از او حمایت می‌کردند، فراموش نخواهم کرد و در تمام این سال‌ها بخشی از وجودم درگیر روزهای جنگ بوده و بهترین دوستان من در آن زمان شهید شدند، به همین دلیل وقتی فرصت فیلم ساختن برابم فراهم شد، سراغ این سوژه رفتم.

آذین‌بندی فجر در قاب جادویی

میثم محمدی

اسلامی تولید شد و به مبارزات آن دوران اشاره می‌کرد تا سریال‌هایی مانند معیاد در سبیده‌دم، یک مشت پر عقاب و وضعیت سفید که با نگاهی درونی‌تر و رنگ و لعابی امروزی‌تر به شکافتن ابعاد گوناگون این رویداد بزرگ پرداخته‌اند. فارغ از این تولیدات نمایشی سال‌هاست ما شاهد تولید گزارش‌های مستند و همچنین برنامه‌های ترکیبی از شبکه‌های تلویزیون هستیم که تداعی‌گر روزهای پیروزی است.

از سوی دیگر سرودهای انقلابی که امروز نیز با همت دفتر موسیقی سازمان صدا و سیما تولید آنها ادامه دارد، همونا با تصاویر، آوای غرور و حس پیروزی را تثبیت می‌کنند. نگاهی به این کارنامه و فعالیت‌ها از طرفی نمایانگر تلاش هنرمندان و تعهد رسانه‌ای آنان به مخاطب است که نیازهای روز و عقاید مشترک آنها را ارج می‌نهد و به آنها پاسخی در خور می‌دهند، اما نباید به این شرایط غره شد و بسنده کرد، زیرا به دلیل توان بالقوه بالایی که از مفهوم انقلاب اسلامی ذکر کردیم و وجود مفاهیم گسترده و عمیق ارزشی و انسانی که هر یک می‌تواند دستاویزی برای تولید یک برنامه پربار باشد، باید روی این نکته تمرکز کرد که با توجه به تغییر روزافزون سلاقی و نسل‌ها و همچنین دگرگونی روابط درون فردی و اجتماعی در ورطه تکرار فرو نوییم و با راهبردی مسئولانه و با شناخت ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موجود ارتباطی

می‌بخشند. با این اوصاف که انقلاب در ماهیت وجودی و ذات خود اتفاقات و لحظات و شخصیت‌های ناب و بکری دارد که در دیگر محافل و بسترها کمتر نمونه‌ای برای آنها یافت می‌شود، این نکته شایان توجه است که فی‌النفسه جذابیت دراماتیک و هیجان‌انگیز انقلاب از طرفی و درس‌های ارزنده نهفته آن از سویی دیگر غیرقابل گذشت است و بی‌درنگ اقشار گوناگون را به بازخوانی شفاهی، متنی و تصویری آن سوق می‌دهد. وقتی سخن از درام و تصویر به میان می‌آید، باید نقش اثرگذار قشر هنرمند جامعه را مدنظر داشت که همواره به‌عنوان عنصری تعیین‌کننده و تصویرگر رد پایش حس می‌شود. هرچند خود این قشر نیز تمام توان خود را به کار می‌بندد تا از غافله عقب نماند و از این بایگانی و بستر ارزشمند که نمایانگر و انعکاس‌دهنده بسیاری از احساسات و عواطف عمیق انسانی و دلاوری‌ها و مجاهدت‌های توده مردم برای دستیابی به سرنوشتی خود ساخته است به بهترین شکل بهره برند.

یکی از مجامع همسو با آرمان‌های انقلاب اسلامی که دوشادوش با تفکرات انسان‌ساز و اندیشمندان حرکت کرده، صدا و سیماست که هنرمندان بسیاری را تربیت کرده و با مشارکت آنها راه درست را تا امروز پیموده و با تولیدات گوناگون در عرصه‌های هنری و با زبان‌های نافذ پیش آمده است. تولیداتی در قالب فیلم‌ها و سریال‌هایی همچون خبرنگار که اوایل انقلاب

نزدیک‌تر از جنس انقلاب اسلامی و یادواره دهه فجر را شاهد باشیم تا نسل جوان امروز پیوندی عمیق‌تر و آگاهانه‌تر با گذشته برقرار کند.

در این راه وجود شبکه‌های متعددی که هر آینه به تعداد آنها نیز افزوده می‌شود، نقطه امید و اتکابی است برای تولیدکنندگانی که موازی با دغدغه‌های مردم جامعه حرکت می‌کنند. روزهای دهه فجر فرصت بسیار مناسبی برای به تصویر درآوردن زوایا و اهداف توده‌های انقلابی در قاب تلویزیون است که تمام قد در برابر طاغوت ایستادند. باز هم باید تاکید کرد صدا و سیما بخصوص تلویزیون اقدامات ویژه و مثبتی داشته و خروجی‌های تاثیرگذاری را نیز شاهد بوده‌ایم که در طول این روزها از شبکه‌های مختلف روی آنتن می‌رود، اما پیشگامی و تربیت و ایجاد فضاهای نو از توان‌های بالقوه تلویزیون است که درصد بالایی از آن به عمل درآمده است، ولی نباید فراموش کرد برای محکم کردن جایگاه و نقش این رسانه در مقوله تولیدات انقلابی به مناسبت دهه فجر، کار گروه‌های ویژه‌ای برای ترسیم آینده‌ای با زبان رسانه مدرن برای مسواچه با مخاطب مدرن الزامی به نظر می‌رسد تا هر ساله فجر انقلاب اسلامی را با شمایی به روزتر و ابعادی تازه‌تر و پایبندتر به آرمان‌های به یادگار مانده از نسل‌های پیشین شاهد باشیم و چشم‌های خود را با رنگ و لعاب انقلابی و از مجرای قاب جادویی تلویزیون آذین ببندیم.

در یک فیلم معمولی، نویسندگان ۳۰ تا ۶۰ صحنه داستانی، یا آن طور که معمولاً خوانده می‌شود، ۴۰ تا ۶۰ صحنه قرار می‌دهند. این میزان در رمان‌ها ممکن است بیشتر باشد و در نمایشنامه‌ها قطعاً تعداد کمتری دارد. هر صحنه کنششی است درون یک کشمکش در زمان و فضای کم و بیش پیوسته که ارزشی را وارد زندگی شخصیت می‌کند؛ ارزشی که ممکن است تا حدی مهم و با معنا باشد. ایده‌آل این است که هر صحنه از یک حادثه داستانی برخوردار باشد، بنابراین لازم است نویسنده بعد از نگارش صحنه از خود بپرسد در این لحظه چه ارزشی در زندگی شخصیت مطرح است و این ارزش در اوج صحنه چه باری دارد و پاسخ این پرسش را یادداشت کند. حال به ابتدای صحنه برود و همین سوالات را درباره داستان تکرار کند و پاسخ آن را بنویسد. اگر نویسنده به پاسخ‌های مشابهی دست یافته است، بنابراین اساساً حضور این صحنه در فیلمنامه ضرورتی ندارد. چون بار ارزشی زندگی شخصیت از آغاز تا پایان بدون تغییر باقی مانده است و هیچ اتفاق یا معنایی روی نخواهد داد. چنین صحنه‌ای ممکن است دارای کنش باشد، اما به لحاظ ارزشی تغییری رخ نمی‌دهد، بنابراین حادثه‌ای روی نداده است. در این صورت چرا این صحنه در داستان گنجانده شده است؟ تنها پاسخ این است که صحنه، صحنه معرفی است. به عبارت دیگر در این صحنه اطلاعاتی درباره شخصیت‌ها، دنیای پیرامون یا گذشته به بیننده داده می‌شود. اگر معرفی یگانه علت وجودی صحنه باشد، نویسنده منضبط آن را دور خواهد ریخت و آن اطلاعات را در جای دیگری از فیلم خواهد گنجانید.

مریم رها



تله فیلم «شب زده»



تله فیلم «کار و پنیر»

نگاهی به ۲ فیلم تلویزیونی «شب زده» و «کار و پنیر» که در دهه فجر پخش شد

از داستان عاشقانه تا کمدی کلیشه‌ای

مد روز استفاده می‌شود، سبک و سوی مشخصی ندارد و به‌رغم اصرار بر استفاده از فرم در این فیلم کمترین توفیقی نیافته است.

اگرچه فیلمنامه اثر که توسط خود مومتن بازنویسی شده است، کمترین ایرادها را دارد، اما فرم و شیوه کارگردانی و اشتباهاتی که در کار دیگر عوامل فیلم آشکار است، به گونه‌ای کنار هم قرار گرفته است که اثر نهایی بسیار معشوش و در مجموع ضعیف دیده می‌شود.

یکی از این موارد به فیلمبرداری اثر برمی‌گردد که مدیریت آن به عهده جواد صفا، تصویربردار باتجربه‌ای است که در «شب‌های روشن» هم با مومتن سابقه همکاری داشته است. استفاده از تکنیک دوربین روی دست برای قاب‌های ثابت در بسیاری از موارد بی‌مورد به نظر می‌رسد بخصوص لرزش و حرکت‌های ناشیانه دوربین چشم را اذیت می‌کند و هیچ سختی با حس و حال پلان ندارد. بعضی قاب‌ها هم اگرچه ممکن است به‌عنوان یک عکس زیبا باشد، اما با توجه به مثال در سکانسی که برای اولین بار پدر و مادر مریم درباره نگرانی‌هایشان از جانب این دختر صحبت می‌کنند این خطا رخ می‌دهد. تصویر آنها از منظر دید مریم که روی راه‌پله منتهی به اتاق نشسته است، نشان داده می‌شود، اما در این قاب ادامه راه پله و راهروی منتهی به پذیرایی که طبیعتاً در مسیر نگاه مریم است، حذف شده و دیده نمی‌شود. در همین سکانس و در صداگذاری و تدوین، خطای دوم رخ می‌دهد و آن بی‌توجهی به بعد صدایی است که توسط شخصیت اصلی و با فاصله شنود می‌شود.

یکی دیگر از معضلات شب‌زده طراحی لباس و صحنه است که به عهده لیلا میری و مریم عنایتی بوده است. در سکانس آغازین فیلم، صحنه قتل توسط یک راننده از زیر یک پل مشاهده می‌شود که این پل با سازه‌هایی ساخته شده که در سال‌های ۵۵ و ۵۶ موجود نبوده است یا در سکانس دیگری که مریم برای دیدن دوستش به خوابگاه دانشجویی او رفته است، لوکیشن داخلی اتاق شبیه هیچ کدام از اتاق‌های خوابگاه دانشجویی نیست. این اتاق کتابخانه‌ای اختصاصی دارد، نه خبری از تخت و کمد‌های خوابگاهی است و نه صحنه‌آرایی که این فضا را القا کند. عوض آن کتابخانه و میزی به چشم می‌خورد که دور آن چند عدد صندلی لهستانی چیده شده است. درباره لباس هم در یکی از سکانس‌ها مادر مریم از او گله می‌کند که چرا بعد از یک سال رخت عزا را از تن به در نمی‌آورد، اما رختی که تن مریم است از نظر رنگ‌بندی هیچ فرقی با لباس‌های دیگر زنان این فیلم ندارد و مثل لباس‌های آنها ترکیبی

از رنگ‌های خاکستری است. اما مورد دیگری که تکلیف آن در فیلم مومتن مشخص نیست، وضع حجاب شخصیت اصلی است. مریم گاهی به‌عنوان سرپوش نهادن بر هویت خود چادر به سر می‌کند و گاه از چادر به‌عنوان پوشش مورد علاقه‌اش دفاع می‌کند، اما چادر را مقابل منزل و در کوچه درمی‌آورد و طبق تعاریف صدا و سیما او را در وضعی می‌بینیم که حاکی از بی‌حجابی است یا در شهر یانی همزمان که چادر را پوشش مورد علاقه‌اش می‌خواند، آن را از سر برمی‌دارد.

در مجموع این فیلم در فرم و اجرا پر از ضعف‌های ریز و درشتی است که نتوانسته فیلمنامه را در حد قابل قبول به مرحله تولید برساند و در آن نابسامانی و تشویش زیادی به چشم می‌خورد.

فیلم تلویزیونی «کار و پنیر» به کارگردانی محمود معظمی و تهیه‌کنندگی علی برجسته یکی دیگر از تله‌فیلم‌هایی است که هفته گذشته پخش شد.

در این فیلم که بهزاد فراهانی، ثریا قاسمی و رضا داوونژاد در آن بازی می‌کنند داستان سه دوست صمیمی روایت می‌شود که اغلب اوقاتشان را باهم می‌گذرانند. روزی دو نفر از آنها متوجه می‌شوند دوست سومشان مدت زیادی زنده نیست و در شبی که قرص ماه کامل می‌شود مرگ او فرا خواهد رسید. آنها تصمیم می‌گیرند تنها آرزوی او را برآورده کنند. در این راه با سه پیرمرد آشنا می‌شوند که مسیر زندگی هر سه دوست را تغییر می‌دهند.

این فیلم کمدی که ریشه در حکایات ادبیات کهن فارسی دارد، با استفاده از المانی همچون ماه کامل، فضایی جالب یا فانتزی پیدا کرده است، اما فیلمنامه در حد یک طرح کلیشه‌ای باقی مانده و در پرداخت آن تلاشی دیده نمی‌شود. کمدی آن از جنس کمدی همه سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی سطح پایین و از جنس شوخی‌های تکراری و دم‌دستی است که بین شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد. حتی حضور بازیگران پیشکسوتی همچون بهزاد فراهانی و ثریا قاسمی نتوانسته تأثیری در بریدن از این فضای تکراری داشته باشد. شاید یکی از دلایل ضعف این فیلم همچون بسیاری از فیلم‌های تلویزیونی، سیاست تولید انبوه آنها در مدت زمان کوتاه است که باعث شده نویسندگان با وسواس و دقت کمتری فیلمنامه را بنویسند.

از طرف دیگر در فرم و ساختار، هیچ خلاقیت و ایده اجرایی به چشم نمی‌خورد که بتواند ضعف‌های فیلمنامه را پوشش دهد. پلان‌های تکراری، میزانشن‌های خطی و ساختگی، کات‌های نابجا که در بعضی موارد پرش دید ایجاد می‌کند از دیگر موارد ضعف این فیلم تلویزیونی است.



نگاهی به ۲ سریال ماندگار که از تلویزیون پخش شد

جای خالی سریال‌های اقتباسی در سیما



سحر مظفری

او و کارهایش آشنایی پیدا کرده‌اند که عده‌ای دلیل آن را گرایش بیشتر مردم به سمت رسانه‌های شفاهی تا خواندن کتاب می‌دانند. البته این مجموعه‌ها مثل دیگر اقتباس‌های سینمایی و تلویزیونی هیچ وقت نمونه اصیل رخدادهای داستان‌های اصلی نبوده‌اند.

داستان‌های جالب جزیره

در سال‌هایی که شاهد توسعه شبکه‌های تلویزیونی بودیم، پخش یکی از جذاب‌ترین سریال‌های تلویزیونی



چند روز پیش که برای دیدن فیلمی در جشنواره فیلم فجر به سینما رفته بودیم و از فیلم خوشمان نیامده بود در پاسخ یکی از دوستان که می‌گفت داستان خیلی ادیبانه بود، چطور از فیلم خوشتان نیامد، بعضی‌ها می‌گویند شاهکار بودن یک رمان نمی‌تواند تضمین‌کننده شاهکار بودن فیلمی که از روی آن ساخته می‌شود، باشد؛ اما گاهی عکس این گفته هم صدق می‌کند و فیلمی که از روی یک رمان ساخته می‌شود، به همان اندازه می‌تواند نظر بسیاری را جلب کند. بسیاری از فیلم‌های مطرح سینمای جهان مثل گتسی بزرگ، آرگو، بینوایان و آن‌کارینا که سال گذشته و امسال ساخته شدند، اقتباسی از رمان‌های مطرح بوده و هستند. در اینجا کمتر کارگردانی برای ساخت سریال به سراغ رمان‌ها و داستان‌های کوتاه می‌رود، اما در سال‌های نه‌چندان دور تلویزیون به پخش سریال‌هایی اقدام می‌کرد که از روی رمان‌های مطرح و پخواننده ساخته شده بودند؛ اتفاقی که این روزها چندان خبری از آن نیست. در اینجا نگاهی داریم به دو سریال پربیننده که در دهه ۷۰ از تلویزیون پخش شد.

معروف‌ترین کارآگاه خصوصی جهان

داستان‌های پرماجرایی «شرلوک هولمز» که بسیاری او را معروف‌ترین کارآگاه خصوصی جهان می‌دانند و عده‌ای دیگر از او به‌عنوان یک شخصیت داستانی شاخص یاد می‌کنند، یکی از ماندگارترین سریال‌هایی است که ابتدای دهه ۷۰، شبکه‌های مختلف صدا و سیما اقدام به پخش آن کردند. شرلوک هولمز نام یک کارآگاه خصوصی و شخصیتی داستانی است که اواخر قرن ۱۹ و شروع قرن ۲۰ فعالیت می‌کرده است. شخصیت داستانی شرلوک هولمز نخستین بار سال ۱۸۸۷ از سوی نویسنده و پزشک اسکاتلندی سر آرتور کانن دویل ساخته و پرداخته و در کتاب‌ها مطرح شد و جرمی برت، بازیگر انگلیسی در نقش هولمز و دیوید برک و ادوارد هاردویک به ترتیب در نقش دکتر واتسون ایفای نقش کردند.

مجموعه‌های هولمز چند بار از تلویزیون پخش شده و همین مساله یکی از علل اصلی آشنایی مردم با شخصیت شرلوک هولمز، معروف‌ترین کارآگاه تخیلی - خصوصی جهان و دکتر واتسون بوده است. حتی افرادی که کتاب‌های او را نخوانده‌اند و نمی‌دانند نویسنده داستان‌های شرلوک هولمز چه کسی بوده و شاید اصلاً اطلاع نداشته باشند که شرلوک هولمز، یک شخصیت داستانی است، به دلیل پخش این مجموعه با

آن و رویاهای سبز، همان سریالی است که در ایران نیز پخش شد و آن شرلی، دختر موقرمرز را به یکی از شخصیت‌های خاطره‌انگیز تلویزیونی تبدیل کرد.

قصه‌های جزیره را می‌توان موفق‌ترین سریال کانادایی دانست که به مدت هفت سال از شبکه سی.بی.اس پخش شد. موفقیت کم‌نظیر این مجموعه تلویزیونی سبب شد پس از پایان پخش آن در کانادا به ۱۴۰ کشور جهان فروخته شود. البته همزمان با موفقیت سریال در کانادا، تهیه‌کنندگان قصه‌های جزیره تغییراتی در داستان ایجاد کردند تا سریال جذابیت بیشتری برای مردم دیگر کشورهای جهان داشته باشد.

شخصیت‌پردازی قوی، برجسته‌ترین ویژگی سریال قصه‌های جزیره بود که درباره شخصیت‌های کودک بارز بود و باعث می‌شد از یک‌سو تماشاگران خردسال با نقش‌ها احساس همذات‌پنداری کنند و از سوی دیگر، بزرگسالان بخشی از خاطرات کودکی‌شان را مقابل خود ببینند. در خلق شخصیت‌های خردسال و به‌طور مشخص سارا، فیلیکس و فیلیسیتی بیش از این که نگاهی اخلاق‌گرایانه وجود داشته باشد، رویکردی واقع‌گرایانه به چشم می‌خورد. هر کدام از این سه شخصیت شیطنت‌ها، خوبی‌ها، بدی‌ها، بدجنسی‌ها و مهربانی‌های خاص خود را داشتند و شخصیت‌های سریال همچنان طراحی شده بودند که در کنار شخصیت‌های اصلی بتوانند واقعیتی از زندگی اجتماعی را شکل دهند.

جهان در دهه ۹۰، اتفاق جالبی بود که در شبکه دو افتاد. پخش سریال «جاده‌ای به سوی اونتاریو» که با عنوان «قصه‌های جزیره» روی آنتن می‌رفت، باعث شد بیشتر مردم هر چهارشنبه ساعت ۲۱ پای تلویزیون بنشینند و این سریال دیدنی را تماشا کنند. این سریال تلویزیونی در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ در کانادا و ایالات متحده پخش شد. سریال در یک منطقه روستایی و در شهری بسیار کوچک اتفاق می‌افتد، اما برخورد شخصیت‌ها در جهت بازآفرینی دنیای مدرن است. در قصه‌های جزیره، به مرور شاهد شکل‌گیری هسته‌های اجتماعی و نهادهایی هستیم که در عصر مدرن کارکرد پیدا کرده است. تماشاگر سریال علاوه بر دنبال کردن سریالی جذاب، با وجوهی از تاریخ به زبان داستانی نیز آشنا می‌شود. این مجموعه تلویزیونی که به مدت هفت‌سال از شبکه سی.بی.اس پخش شد، محصول مشترک کانادا و آمریکا (با همکاری کوین سولیوان و شرکت دیسنی) بود.

گرچه شرکت دیسنی بعدها سهم بیشتری در تولید این سریال داشت و به ماجراهایی عجیبی منجر شد که مقدمات توقف سریال را فراهم آورد. قصه‌های جزیره براساس اقتباسی آزاد از کتابی به قلم مودمونتگمری، نویسنده مشهوری است که پیش از این سریال «آن» و رویاهای سبز» براساس کتاب دیگری از او ساخته شد.

نگاه کارگردان

سطح مطالعه پایین است

بهمن زرین‌پور، نویسنده، کارگردان و بازیگر که کارگردانی سریال‌هایی همچون آوای فاخته، هتل پیاده‌رو، حامی و بازی در فیلم‌هایی مانند پاداش، دختری با کفش‌های کتانی و زشت و زیبا را در کارنامه خود دارد، ساختن فیلم براساس رمان را یک کار سلیقه‌ای می‌داند که می‌تواند در زمینه داستانی تحولات درخور توجهی به‌وجود آورد.

او درباره دلیل محدودیت ساخت سریال‌ها و فیلم‌های اقتباسی می‌گوید: بسیاری از کارگردانان و نویسندگان خود را به نگرش‌ها و برداشت‌های ساده و ساخت موضوعاتی که در جامعه جاافتاده است، قانع کرده‌اند.

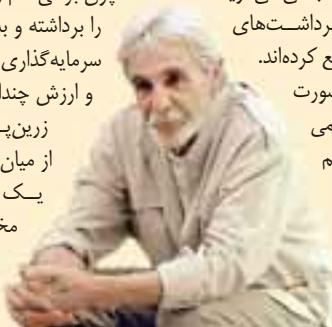
بعلاوه سطح مطالعه خیلی پایین آمده و آنچنان مطالعه‌ای صورت نمی‌گیرد که حال به ذهن کسی برسد از روی داستان آن فیلمی هم ساخته شود. ابتدا باید به یک اثر نزدیک شویم تا بتوانیم از آن اقتباس کنیم.

نویسنده فیلم ازدواج در وقت اضافه، یکی از موانع مهم اقتباس را خط قرمزهای موجود می‌داند و می‌گوید: خط قرمزهایی وجود دارد که نمی‌توان از کنار آنها عبور

کرد. نویسنده در بسیاری از مواقع نمی‌داند مرز سلیقه‌های مختلف تا کجاست. ممکن است قلم به‌دست بگیرد و چیزی بنویسد که فراتر از حد پذیرش جامعه باشد، در صورتی که برای نوشتن آن زحمت زیادی کشیده است. ممکن است در پخش به مشکل برخورد، به همین دلیل سراغ نوشتن متن‌های کم‌دی می‌رود، چون به نظرش بی‌خطر است و برای پخش رد نمی‌شود.

زرین‌پور با بیان این که خودش بارها به سراغ اقتباس رفته است، می‌گوید: متأسفانه زیاد رفتم، ولی برخورد خوبی با من صورت نگرفت و من هم آن را ناتمام گذاشتم، چون برخی آدم را به کی‌برداری متهم می‌کنند و می‌گویند داستان فلان نویسنده را برداشته و به فیلم تبدیل کرده، بنابراین کل آن پروژه را کنار گذاشتم. گاهی سرمایه‌گذاری روی اثر نویسنده و تغییر و به‌روز کردن آن با شرایط جامعه جایگاه و ارزش چندانی ندارد.

زرین‌پور ادامه می‌دهد: نباید برای اقتباس، ارزش‌های یک اثر را از میان برد. با چند تغییر و به‌روز کردن یک اثر ممکن است ارزش‌های یک اثر از بین برود و کلاً کار متفاوتی درآید، بنابراین اقتباس هم علم مخصوص به خود را می‌خواهد و تا نویسنده بر تمام جنبه‌های یک اثر آگاه نباشد، نمی‌تواند اقتباس درخوری انجام دهد و کار خود را زیر سوال می‌برد.





زهره زمانی

گزارشی از پشت صحنه برنامه علمی «روزنه» در راديو ايران

صبحانه با طعم علم

وقتی آرام برنامه پخش می‌شود، ایمان ساکی (گوینده) با نشاط صبحگاهی می‌گوید: «به نام خدا، با عرض سلام و صبح بخیر خدمت شما دوستان عزیز و شنونده برنامه علمی روزنه از راديو ايران. امروز سسی ام دی، هجدهم ربیع‌الاول و بیستم ژانویه است. متشکریم که امروز هم با ما همراهید.»

با اشاره دست مهدی خانی‌پور (صدابردار) ساکی با سرعت بیشتری در ریتم بیان، ادامه می‌دهد: «موضوعاتی که در برنامه امروز روزنه به آنها خواهیم پرداخت: از پانزدهمین مسابقات ملی مهارت صحبت خواهیم کرد. همین طور طبق معمول روزهای دوشنبه در خدمت آقای مهندس عتیقی هستیم. درباره اخبار جدید از دنیای نجوم بشنوید و از آنجا که هفته سرطان را در پیش داریم، درباره سرطان دهان گفت‌وگو خواهیم کرد و در خصوص همین موضوع پای صحبت یکی از متخصصان و جراحان خوب کشورمان خواهیم نشست و طبق روال معمول یکی از محصولات نانو فناوری را به شما معرفی می‌کنیم در حوزه نساجی.»

توجه به موضوعات زیست‌محیطی تا اقتصادی
متوجه می‌شوم حامد ارسنجانی، مدیر گروه ایران و دانش راديو ايران برای نظارت بر این برنامه علمی در استودیوی پخش راديو ايران حضور دارد. او درباره برنامه روزنه می‌گوید: «برنامه روزنه یکی از برنامه‌های صبحگاهی و علمی محور راديو ايران است که به صورت زنده روی آنتن می‌رود. این برنامه از شنبه تا چهارشنبه هر روز به مدت ۲۰ دقیقه به اطلاع‌رسانی علمی در پارهای موارد و تبیین موضوعات اقتصادی می‌پردازد. با توجه به این که مأموریت گروه دانش و اقتصاد، اطلاع‌رسانی در حوزه‌های دانش و اقتصاد است، بنابراین برنامه روزنه بر آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی درباره وقایع و رویدادهای علمی و اقتصادی کشور، مناسبات، همایش‌ها و نشست‌های دانش محور که در کشور به وقوع می‌پیوندد، مبتنی است.»

ارسنجانی ادامه می‌دهد: همچنین در روزنه موضوعات زیست‌محیطی، حوادث طبیعی و بررسی علل رخدادهای مبتنی بر نظام طبیعت که همگی با هدف آگاهی‌بخشی به جامعه مخاطب صورت می‌گیرد همراه تبیین کارشناسانه علل، عوامل و ضرورت‌های آن تدوین و ارائه می‌شود. مدیر گروه دانش راديو ايران با اشاره به این که از تابستان سال ۹۲ مأموریت‌های اقتصادی نیز به این گروه محول شده است، ادامه می‌دهد: «تلاش شده علاوه بر اختصاص برنامه‌های صرفاً اقتصادی مثل برنامه «اقتصاد روز»، به موضوعات علمی نیز با وجهه اقتصادی نگریسته شود. به این معنی که به پژوهش‌های صورت گرفته، دستاوردهای علمی و زیرساخت‌های تکنولوژیک که در کشور به بهره‌برداری می‌رسد یا خواهد رسید از منظر اقتصادی آن بویژه ثروت افزایی توجه شده و با دو رویکرد تبیینی و تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. البته وجوه تحلیلی آن در برنامه‌هایی چون نگاه روز و اقتصاد روز متمرکز شده است و رویکردهای تبیینی آن

علمی که آن روز می‌خواهیم در موردشان صحبت کنیم، آگاهی داشته باشیم.

او در خصوص تهیه برنامه‌های علمی می‌گوید: یکی از راه‌های خیلی خوب و در دسترس که سردبیر و تهیه‌کننده برنامه خانم ضرابی اعمال می‌کند، این است که مطالب نو و جدید را برمی‌گزیند، یعنی شما در طول روز از طریق شبکه‌های مختلف و بخش‌های خبری، خبرهای خیلی نو را می‌شنوید، یا ممکن است اگر سراغ مجلات علمی بروید، به آن دسترسی داشته باشید، اما این خبر در عین این که نو و تازه است باید جذابیت خاصی هم داشته باشد. ما در این برنامه از هر مطلب علمی استفاده نمی‌کنیم. به طور مثال اگر بخواهیم به جزو و مدی که در یک نقطه از جهان به وقوع پیوسته است، بپردازیم به‌رغم این که خبر یک خبر علمی است، ولی چون درباره کشور ما نیست، به درد ما هم نمی‌خورد. اگر یک تومور مغزی با یک روش خاصی در جایی برداشته شده باشد، این برای ما جذابیت دارد، چون هم پزشک‌های ما را متوجه این خبر می‌کند و هم مردم ما اگر توموری داشته باشند متوجه می‌شوند ما در ایران می‌توانیم جراحی کنیم. ما در برنامه روزنه بیشتر به کشفیات و به خبرهای علمی که توسط متخصصان و مکتشفان ما انجام می‌شود می‌پردازیم که بدانیم در کشور ما چه اتفاقاتی رخ داده که متخصصان ما انجام داده‌اند.



نباید آنها را دست کم بگیریم.



عموما در برنامه‌هایی چون مجله علمی، سوال و روزنه دیده می‌شود.

ارتباط مستمر با دانشگاه

وقتی ساکی اولین گفت‌وگو خود را آغاز می‌کند، مهتاب ضرابی (تهیه‌کننده) در خصوص این برنامه علمی می‌گوید: من برنامه را خیلی دوست دارم و هر روز برایش تحقیق می‌کنم و چیزهای جدیدتری یاد می‌گیرم. ضرابی ادامه می‌دهد: روزنه یک برنامه ترکیبی ساده است که در این مدت ما چهار پنج بخش را برای مخاطبان برنامه آماده می‌کنیم که این چند بخش صرفاً علمی است و مخاطبان خاص خود را دارد، وقایع علمی را هر روز دنبال می‌کنیم، سری به اختراعات علمی و دانشگاه‌ها می‌زنیم، مقالات را نگاه می‌کنیم و رویدادهای علمی روز را برای مخاطبان می‌گوییم.

ضرابی در خصوص چپش اخبار علمی می‌گوید: ما با دانشگاه‌های کشور در ارتباط هستیم، تلفن دادیم، وب‌سایت دادیم و آنها از طریق پیامک ۱۰۰۶۶۰۴ در خصوص برگزاری همایش‌ها اطلاع‌رسانی می‌کنند و ما هر روز به خبرگزاری‌های مختلف سر می‌زنیم.

وقتی از این تهیه‌کننده برنامه‌های علمی می‌پرسیم چه موضوعی برای روزنه اولویت دارد، می‌گوید: فرقی نمی‌کند. ما در همه زمینه‌های علوم مثل پزشکی، حوزه آبی و حوزه‌های مختلف علمی و فنی کار می‌کنیم.

او با اشاره به ویژگی‌های برنامه علمی ادامه می‌دهد: معتقدم مخاطبان امروزی برنامه‌های علمی - که افرادی فرهیخته هستند - خیلی پیشرفت کرده‌اند، زیرا از طریق رسانه‌های مختلف همچون اینترنت، روزنامه‌ها و سایت‌ها اخبار را پیگیری می‌کنند، بنابراین به روز بودن موضوعات علمی و برنامه خیلی برای مخاطبان ما اهمیت دارد و ما

سرعت و شتاب در بیان موضوعات علمی

ایمان ساکی، گوینده برنامه می‌گوید: همین طور که از اسم برنامه پیداست، روزنه یک دریچه و یک روزنه خیلی کوچک را به دنیای علم و دانش باز می‌کند و ما در این فرصت کوتاه سعی می‌کنیم مردم را به موضوعات علمی علاقه‌مند کنیم. در این فرصت نمی‌توانیم همه مطالب را باز کنیم و در موردش توضیحات کامل بدهیم.

او در خصوص لحن و بیان برنامه‌های علمی و تفاوت آن با دیگر برنامه‌ها می‌گوید: وقتی می‌خواهیم یک برنامه ادبی اجرا کنیم، به‌عنوان گوینده می‌توانیم خیلی آرام و شمرده آن را اجرا کنیم و کاملاً لحنمان متفاوت است. در برنامه‌های علمی، سرعت حرف اول را می‌زند. مطالب علمی با این که جذاب است، اما چون پیچیدگی دارند باید از جملات و کلمات جذاب استفاده کنیم تا مخاطب بیشتر علاقه‌مند شود. لحن برنامه علمی خیلی متفاوت است. با توجه به این که برنامه زنده است و ما امکان خطا کردن و تپق‌زدن نداریم باید نسبت به موضوعات

تنظیم موج

برنامه روزنه هر روز از ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه از راديو ايران پخش می‌شود. شنوندگان راديو ايران و علاقه‌مندان برنامه‌های علمی می‌توانند با شماره تلفن ۲۲۱۶۷۹۵۷ یا این برنامه و با گروه دانش راديو ايران در ارتباط باشند. نشانی اینترنتی این برنامه radio iran/danesh.ir است.

توجه به زبان مخاطب

مهندس کیوان نقره کار، کارشناس حوزه فضای مجازی - فناوری اطلاعات می‌گوید: به عنوان کارآفرین ملی کشور و همچنین مشاور پروژه ملی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در وزارت ارتباطات و وزارت معدن، صنعت و تجارت مشغول به همکاری هستیم که خوشبختانه این فرصت نصیب شده تا بتوانم در حوزه فناوری ارتباطات سعی و تلاش داشته باشم.

او در خصوص تحلیل اخبار علمی روزنه می‌گوید: متناسب با حوزه کاری خود باید آخرین اطلاعات را بخوانم، مرور کنم و از منابع اصلی آن اطلاعات بگیرم و لازم‌هاش آن است که بتوانم متناسب با آن وقایعی که در حال اتفاق افتادن است، تاریخچه‌اش و آنچه را در آینده رخ می‌دهد، تحلیل کنم و بهترین شرایط را در نظر بگیریم. به هر حال یکی از بحث‌هایی که در رسانه ملی باید کارشناس بر آن مسلط باشد، این است که بتواند تحلیل‌های متناسب با آن حوزه را ارائه کند.

وقتی از او می‌پرسیم فکر می‌کنید برنامه‌های علمی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد که مخاطب با علاقه آن را گوش کند، می‌گوید: متناسب با مخاطب، برنامه علمی تعریف می‌شود. اگر شما یک برنامه علمی را برای مخاطب متخصص می‌خواهید اجرا کنید، یک زبان را باید در نظر بگیرید و اگر می‌خواهید آن برنامه علمی متناسب مخاطب عمومی‌تر باشد باید با زبان دیگر آن را برای مخاطب بازگو کنید، بنابراین به نظر می‌آید با توجه به رویکرد هر شبکه یا هر برنامه، کارشناس باید بتواند در آن سطح خودش را متناسب با مخاطب هماهنگ کند، یا باید از کارشناس‌های مختلف بهره گرفت تا بهترین اطلاعات را به کاربر یا شنوندگان برساند.

ماراتن رادیویی در سودای سیمرخ

مریم کریمی



با فرارسیدن سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و برگزاری سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی این رویداد مهم سینمایی - فرهنگی را پوشش می‌دهند. شبکه رادیویی تهران نیز همچون سال‌های گذشته همزمان با برگزاری سی و دومین جشنواره فیلم فجر با ویژه‌برنامه سینما ۳۲ به طور زنده، به انعکاس اخبار و رویدادهای این جشنواره پرداخت. به بهانه تهیه گزارشی از پشت صحنه این برنامه من هم با تهیه‌جدولی از فیلم‌های روی پرده آن، در یکی از روزهای شلوغ برج میلاد، راهی کاخ جشنواره می‌شوم.

من معمولاً زودتر یا دیرتر به پخش برنامه‌ها می‌روم، اما این بار چند ساعت زودتر به برج میلاد رسیدم و پس از پیدا کردن غرفه رادیو تهران با خیال آسوده راهی سالن اصلی نمایش فیلم‌ها شدم تا از تماشای فیلم‌های این دوره از جشنواره بی‌نصیب نباشم. با این که تا پایان فیلم زمان کمی باقی مانده است، اما عقربه‌های ساعت به ۱۵ نزدیک می‌شود.

اسماعیل باستانی تهیه‌کننده برنامه، وحید رونقی و حافظ آهی گوینده، مسعود نجفی منتقد سینما، میثم عبدی در بخش حاشیه‌های طنز و بشیر جعفری نیا در قسمت هماهنگی، از عواملی هستند که خودشان را آماده می‌کنند.

وحید رونقی، مجری برنامه می‌پرسد برای رونق سینمای ایران چه باید کرد و از شنونده‌ها می‌خواهد با پیامک پاسخ دهند. رونقی در ادامه عوامل برنامه را معرفی می‌کند. میثم عبدی با بیانی طنزآمیز می‌گوید: با اقتباس از نام فیلم معروف آلفرد هیچکاک، در بخشی با عنوان مردی که زیاد می‌دانست، به نکات طنز جشنواره فیلم فجر اشاره می‌کنم و اغلب حاشیه‌های آزاردهنده جشنواره در این بخش نقل می‌شود. هدف از تهیه آن، نقد طنزانه جشنواره فیلم فجر در کنار تقویت نقاط قوت و رفع نواقص احتمالی است.

عبدی می‌افزاید: در این بخش با بررسی حاشیه‌ها، فیلم‌های جشنواره را تماشا می‌کنم و نکاتی که می‌توان بیان کرد یا صحبت‌های عوامل فیلم را با نگاه طنزآمیز ارائه می‌کنم.

هادی مقدم‌دوست، کارگردان فیلم «سر به مهر» از چهره‌هایی است که در غرفه رادیو تهران حضور می‌یابد. او که سال گذشته با این فیلم در جشنواره حاضر بود، به بهانه ارکان زمستانی فیلمش، مهمان بخشی از برنامه است و وحید رونقی و مسعود نجفی با او درباره ویژگی فیلم، بازیگران، فیلمنامه و... صحبت می‌کنند.

در ادامه، مجری برنامه پیامک یکی از شنونده‌ها را درباره کمیاب بودن فیلمنامه خوب در سینمای ایران می‌خواند و توضیحاتی می‌دهد.

در فرصتی که پیش می‌آید از اسماعیل باستانی، تهیه‌کننده برنامه می‌خواهم بیشتر درباره این ویژه‌برنامه توضیح دهد.

باستانی می‌گوید: برنامه سینما ۳۲ کاری از گروه اجتماعی و خانواده شبکه رادیویی تهران است که در راستای اطلاع‌رسانی درست، شفاف و بموقع از این رخداد فرهنگی از دوازدهم تا بیست و دوم بهمن، اخبار و رویدادهای سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را از ساعت ۱۵ تا ۱۶ و ۳۰ دقیقه از محل برگزاری این جشنواره بازتاب می‌دهد.

این ویژه‌برنامه که رویکرد اطلاع‌رسانی دارد، با آخرین اخبار فیلم فجر و رویدادهای روزانه این جشنواره، با ستاره‌های فیلم‌های پخش شده گفت‌وگو می‌کند و به بررسی و نقد فیلم‌های ارکان شده و اعلام زمان پخش برنامه‌های این جشنواره می‌پردازد. اعلام جدول‌های

پخش نمایش فیلم‌های سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، پوشش افتتاحیه و اختتامیه نیز از دیگر بخش‌های این برنامه است.

وی ادامه می‌دهد: پوشش خبری بخش‌های جنبی جشنواره و گفت‌وگو با عوامل تولید فیلم‌های شرکت‌کننده در این جشنواره از جمله کارگردانان و تهیه‌کننده‌ها، از دیگر بخش‌های این ویژه‌برنامه است و ما تلاش داریم همه فیلم‌هایی را که در بخش‌های مختلف ارکان می‌شوند، تحت پوشش خبری قرار دهیم.

باستانی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اختتامیه جشنواره می‌افزاید: یکی از روزهای متفاوت پخش این برنامه، اختتامیه جشنواره است که ضمن بازتاب رخدادها و حاشیه‌های اختتامیه سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، آثار برگزیده، اسامی برگزیدگان جشنواره همچون بهترین نویسنده، مستند، چهره‌پردازی و جلوه‌های ویژه و طراحی لباس و صحنه، صدای فیلم و موسیقی، بازیگران نقش اول مرد و زن و... را به اطلاع شنوندگان می‌رسانیم.

مهمان بعدی یکتا ناصر، بازیگر سینما و تلویزیون است. وی نیز در حال صحبت با رونقی و مسعود نجفی منتقد سینماست. در این گپ و گفت درباره فیلم‌های «گنجشک اشی‌مشی»، «زندگی جای دیگری است» که یکتا ناصر در آنها ایفای نقش کرده است، صحبت می‌شود.

نجفی با ارائه خلاصه کوتاهی از داستان فیلم‌ها درباره بازی یکتا ناصر و چگونگی شخصیت‌پردازی و پردازش فیلمنامه صحبت می‌کند و می‌گوید به نظر من از خلاصه داستان، نقد و بررسی فیلم از جذابیت زیادی برای شنونده‌ها برخوردار است، بویژه اگر فیلم را تماشا کرده باشیم.

ارائه شرح زندگی کاملی از زندگی کارگردان فیلم و ذکر فیلم‌های شاخص‌اش، کمک شایانی به تداعی او در ذهن شنونده می‌کند.

گزارشگر برنامه پریسا زندیه با حضور در سطح شهر، هر روز به یک سینما سر می‌زند و از مردم، شرایط سینما و ارکان‌ها گزارش‌هایی تهیه می‌کند. یکی از مزایای جذاب این جشنواره، حضور بیشتر بازیگران، کارگردانان و عوامل فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی است و به نظر من فرصت مناسبی است تا شنوندگان با بیشتر بازیگران و کارگردانان و کارهای آنها آشنا شوند.

این بخش از برنامه به معرفی فیلم‌های راه‌یافته به

جشنواره اختصاص دارد که رونقی آنها را اعلام می‌کند. بررسی کارنامه کاری کارگردانان حاضر در جشنواره نیز از دیگر بخش‌هایی است که در این قسمت گنجانده شده است.

در فواصل مختلف، گزارش‌های متعدد از فضای جشنواره به اطلاع شنونده‌ها می‌رسد به طوری که براحتی می‌توان اتفاقات را تصور کرد.

در این بخش از برنامه با روح‌الله حجازی، کارگردان فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» و علی طالب‌آبادی، نویسنده فیلمنامه گفت‌وگو می‌شود.

در گفت‌وگوها با عوامل و نقد و بررسی فیلم‌ها درباره چگونگی صداگذاری، طراحی صحنه و لباس، چهره‌پردازی، تدوین، موسیقی، فیلمبرداری، بازی بازیگران نقش زن و مرد، بهترین بازی، فیلمنامه و کارگردانی صحبت می‌شود و مسعود نجفی نیز فیلم را از جهات مختلف نقد و بررسی می‌کند. درباره سوژه خوب، شخصیت‌پردازی، جذابیت داستان، تعلیق، گره‌ها و بحران‌های مورد نیاز قصه، فلش‌بک‌ها، پلان‌ها، سکانس‌ها، روایتی خطی، غیرخطی و...

از وحید رونقی درباره وجه تمایز اجرایش در فضای خارج از استودیو می‌پرسیم که می‌گوید: من و مسعود نجفی گفت‌وگو با عوامل فیلم‌ها را برعهده داریم. در ضمن اجرا در فضای باز بویژه در جشنواره فیلم فجر از لحاظ حس به گوینده کمک می‌کند، چون ما در لحظه، در جو و اتمسفر قرار داریم و در جریان اتفاقات و رخدادها هستیم.

رونقی در پاسخ به این پرسش که آیا شلوغی فضا مانع تمرکز در اجرای او نمی‌شود، می‌گوید: شلوغی فضا برای خودش محاسنی دارد. در این جشنواره مهمانان ویژه‌ای حضور دارند، اما امسال نسبت به سال گذشته فضای ما محدود شده و تردد کمتری در کاخ جشنواره حس می‌شود. در این فضا می‌توان با آرامش بیشتری کار را انجام داد. معتقدم اجرا در محل، بازدهی کیفی بیشتری دارد، چرا که ما در بطن ماجرا قرار داریم و با افراد راحت‌تر و آسان‌تر در تعامل هستیم.

او در پاسخ به این پرسش که آیا پرسش‌ها از قبل طراحی می‌شود، می‌گوید: سؤالی از پیش آماده نمی‌شود و همه چیز در لحظه اتفاق می‌افتد. ما برای تعامل بهتر و طرح سؤالات مناسب‌تر، فیلم‌ها را می‌بینیم و با توجه به آن، پرسش‌ها را مطرح می‌کنیم. البته با توجه به حضور گسترده خبرنگاران و شبکه‌های مختلف سعی می‌شود بیشتر سؤالات کوتاه باشد.

فارسی بگوییم

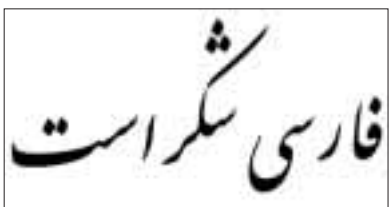
رضوان اناری

«فارسی بگوییم» عنوان برنامه‌ای از رادیو فرهنگ است که به صورت میان‌برنامه، روی آنتن می‌رود و نکاتی را درباره کاربرد صحیح واژه‌ها و عبارات زبان فارسی به مخاطبان ارائه می‌کند. هر بخش این برنامه رادیویی، کمتر از یک دقیقه طول می‌کشد؛ اما در همین مدت اندک، یک نکته کاربردی را به شنونده انتقال می‌دهد.

کاربرد صحیح واژه‌هایی که املا و تلفظی نزدیک به هم دارند، از مهم‌ترین مواردی است که در این برنامه عنوان می‌شود و از آنجا که به نظر می‌رسد یکی از اشتباهات عمده گویندگان زبان فارسی هم همین مساله است که کلمات شبیه یکدیگر را به جای هم به کار می‌برند چنین برنامه‌هایی می‌تواند در درازمدت، اشتباهات رایج زبان فارسی را اصلاح کند.

نکته برجسته برنامه فارسی بگوییم، کوتاهی و موجز بودن آن است؛ یعنی در هر برنامه فقط به یکی از اشتباهات رایج زبان فارسی پرداخته می‌شود. مثلاً گوینده برنامه به صورتی مختصر و مفید، تفاوت میان واژه‌های علوفه و الوفه یا آخر و آخر را توضیح می‌دهد و با تشریح ریشه هر یک از آنها توضیح می‌دهد که این دو واژه چرا نباید به جای هم به کار برده شود. همین نکته کوتاه بخوبی می‌تواند در ذهن مخاطب ماندگار شود.

اما فارسی بگوییم در عین مفید و موثر بودن، نقاط ضعفی هم دارد که در صورت برطرف شدن آنها تاثیر دوچندانی بر شنوندگان خود خواهد داشت. مهم‌ترین نکته این است که چنین برنامه‌هایی عموماً از سوی رسانه به‌عنوان برنامه‌های آنتن‌پر کن تلقی شده و در ساعات پرت و کم‌مخاطب‌تر پخش می‌شوند.



فارسی بگوییم هم به تبع همین قانون نانوخته رسانه ملی، در ساعات ابتدایی صبح - نه در ساعت پیک مصرف - و پیش از آغاز جلسات علنی مجلس شورای اسلامی روی آنتن می‌رود. به عبارت دیگر، رادیو فرهنگ که جلسات علنی مجلس شورای اسلامی را به صورت زنده روی آنتن می‌برد در ساعاتی که منتظر آغاز مذاکرات جلسه علنی است میان موسیقی و اخبار، فارسی بگوییم را هم روی آنتن می‌برد. قطعاً پخش برنامه فارسی بگوییم در چنین ساعتی نمی‌تواند به دلیل اهمیت دادن به زبان فارسی باشد، بلکه جنبه پرکردن آنتن را دارد.

هر چند چنین برنامه‌هایی به دلیل ماهیت کوتاه خود براحتی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، اما قطعاً پخش آنها در ساعت پیک یا بین برنامه‌هایی که مخاطب بیشتری دارند، امکان شنیده شدنشان را بیشتر می‌کند و باعث می‌شود بیشتر مورد توجه قرار گیرند که در نتیجه نهایی و تاثیرگذاری آن موثر خواهد بود.

با توجه به تاکید رئیس رسانه ملی و معاونان او به زبان فارسی، چنین برنامه‌هایی می‌توانند با هزینه‌های پایین و تاثیر بالا تولید شوند، اما تاثیرگذاری هر چه بیشتر این برنامه‌ها منوط به شناخت کامل ظرفیت‌های رسانه و استفاده از آنهاست. چرا که رسانه رادیو با توجه به ماهیت شنیداری خود، بهترین رسانه برای بخش‌های کوتاه آموزشی زبان محسوب می‌شود، اما مشروط بر این که این برنامه‌ها و آیتم‌های کوتاه با پخش در ساعات و زمان‌های مناسب به گوش مخاطب برسند نه این که فقط برای پر کردن آنتن از آنها استفاده شود.

چراغ سبز تولید مجموعه تلویزیونی «خطیب» روشن شد. مدت‌هاست بحث تولید این مجموعه اکشن و ابرقهرمانانه واحد تلویزیونی شرکت سونی ادامه دارد و بالاخره مسئولان این شرکت، هفته گذشته آمادگی خود را برای ساخت آن اعلام کردند.

واحد تلویزیونی شرکت سونی، خطیب را با همکاری شبکه AMC تهیه می‌کند. این مجموعه درام و اکشن براساس قصه کمیک استریتی گارت انیس و استیو دیلون به همین نام ساخته خواهد شد. این مجموعه کتاب پخواننده در دهه ۹۰ میلادی روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت و با استقبال دستاران کتاب‌های مصور روبه‌رو شد. ست روگن چهره سرشناس سینما (که سال گذشته میلادی فیلم کمدی ترسناک پرفروش «این آخر ماجراست» را روی پرده سینماها داشت) تهیه‌کننده اصلی مجموعه خطیب است. او فیلمنامه مجموعه را به صورت مشترک با ایوان گلدبرگ می‌نویسد. این دو کار نگارش فیلمنامه «این آخر ماجراست» را با همکاری یکدیگر انجام داده بودند، تهیه‌کننده اصلی مجموعه سام کاتلین است. کاتلین به دلیل تولید مجموعه موفق و پربیننده «زدی» به سیم آخر» (برکینگ بد) شهرت زیادی در یک سال اخیر کسب کرده و مسئولان شبکه‌های مختلف تلویزیونی به دنبال او هستند.

قصه خطیب در ارتباط با کشیش خوش‌برخوردی به نام جسه کاستر است. او یک خطیب سرسخت تگزاسی است که به دلیل مشکلات و مسائلی که برایش پیش آمد، اعتقاد و ایمان خود را از دست داده است. وی احساس می‌کند دنیا به پایان رسیده و نوعی هرج و مرج در همه جا وجود دارد. در چنین اوضاع و احوالی، کسی حاضر به پذیرش هیچ مسئولیتی نیست اما بزودی اتفاقاتی رخ می‌دهد که کره زمین در خطر نابودی قرار می‌گیرد و نیروهای شیطانی با هجوم به زندگی مردم عادی، تلاش می‌کنند هدایت زمین و ساکنان آن را به عهده بگیرند. در چنین اوضاع و احوالی است که جسه متوجه می‌شود با تکیه به نیروی ایمان، باید مبارزه‌ای سخت را با نیروهای اهریمنی و شیطانی شروع کند و به کمک مردم عادی بیاید. او با پذیرش مسئولیت بزرگ اجتماعی و اخلاقی خود، راهی یک سفر طولانی می‌شود. در این سفر، نامزد جسه و یک دوست مرموز همراه او هستند. این دوست مرموز که معلوم نیست از کجا آمده، خصلت‌های نیروهای شیطانی را خیلی خوب می‌شناسد و با راه‌های مقابله با آنان آشناست. جسه در طول سفر با ماجراجویی‌های زیادی روبه‌رو می‌شود و در هر ایپزود با دشمن تازه‌ای مبارزه می‌کند. شخصیت‌های منفی و شرور قصه، گروهی از موجودات عجیب و غریب



که سال قبل، نام دی جی کاروسو به عنوان کارگردان ایپزود اول (و همچنین چند قسمت دیگر آن) مطرح شد. نام کاروسو سال پیش از سوی مسئولان شبکه تلویزیونی ABC اعلام شد. اما حالا که این شبکه و شرکت سونی پس از اعلام رسمی خبر تولید مجموعه، نامی از وی به میان نیاورده‌اند، این ظن در سطح وسیعی تقویت شده که او با این طرح همکاری نخواهد داشت. خود فیلمساز هم در این باره سکوت کرده و از دیدگاه او اطلاعاتی در دست نیست. اهل فن پیش‌بینی می‌کنند تهیه‌کنندگان مجموعه، بزودی نام کارگردان و بازیگران آن را به صورت رسمی اعلام کنند. هنوز زمانی برای شروع کار فیلمبرداری خطیب اعلام نشده است. گفته می‌شود اوایل فصل تابستان، کلید فیلمبرداری این درام اکشن کمیک استریتی زده شود. منتقدان تلویزیونی طی مدت کوتاهی که خبر تولید خطیب اعلام شد، چند نام مطرح را به عنوان بازیگر نقش جسه کاستر مطرح کرده‌اند. با این حال، پیش‌بینی می‌شود این نقش به یک بازیگر تازه وارد داده شود. فصل اول مجموعه تلویزیونی خطیب در ۱۳ قسمت تهیه و پخش خواهد شد. هزینه تولید این مجموعه حدود ۹ میلیون دلار برآورد شده است.

که تلاش چند ساله‌ام بالاخره به ثمر نشست، کل این مدت، من و گلدبرگ کار خیلی زیادی انجام دادیم و امیدوار بودیم بالاخره یک روز حاصل کارمان، راه خود را جلوی دوربین باز و پیدا خواهد کرد. قصه‌های مصور خطیب جزو کتاب‌های محبوب تمام عمر من و گلدبرگ بوده‌اند. به همین دلیل، سعی هر دوی ما این بود که آنها را به شکل درست و دقیقی، تبدیل به یک فیلمنامه تلویزیونی کنیم. در عین حال روگن در این باره هم صحبت می‌کند که چند تهیه‌کننده به وی پیشنهاد نگارش فیلمنامه دو ساعته فیلمی سینمایی را براساس قصه کتاب خطیب داده بودند، اما وی قاطعانه در مقابل تولید یک فیلم سینمایی از این مجموعه کتاب ایستاد و اعلام کرد تلویزیون خانه اصلی این قصه مصور است و با تولید یک مجموعه تلویزیونی می‌توان حق مطلب را در ارتباط با این قصه ادا کرد.

با وجود آن که شرکت سونی خبر تولید مجموعه تلویزیونی خطیب را به صورت رسمی اعلام کرده، ولی توضیحی درباره کارگردان ایپزود اول (که به صورت یک فیلم سینمایی تلویزیونی ساخته می‌شود) نداده و نامی در این باره، مطرح نکرده است. این در حالی است

خطرناک هستند و در راس آنها، یک ماشین جنگی فناپذیر به نام مظهر کشتار قرار دارد. این شخصیت، آدمی از دنیای غرب وحشی است که هدف اصلی خود را کشتن جسه اعلام کرده است.

سام کاتلین درباره مجموعه خطیب می‌گوید: قصه کتاب مصور انیس و دیلون یک کار جذاب و اخلاقی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، خوانندگان خود را با پرسش‌های اخلاقی روبه‌رو می‌کند. در عین حال، این قصه بشدت تصویری است و می‌توان براساس آن، مجموعه‌های تماشایی خلق و ارائه کرد. خیلی خوشحالم که می‌توانم مجموعه تلویزیونی خطیب را تولید کنم و امیدوارم بتوانم از همکاری چهره‌های مطرح و توانای تلویزیونی برای ساخت آن بهره ببرم. تلاشم این است که فضای کلی مجموعه به فضا و حال و هوای قصه مصورش نزدیک باشد. در این خصوص، تصویرهای مجموعه کتاب خطیب کمک بسیاری به ما می‌کنند.

در همین حال، ست روگن هم به این نکته اشاره می‌کند که او و گلدبرگ از چند سال پیش، دنبال آن بودند که فیلمنامه‌ای تلویزیونی براساس قصه مجموعه کتاب خطیب بنویسند. به گفته روگن: خیلی خوشحالم

همکاری روایت شتی با تلویزیون

در تلویزیون نداشته است. او می‌گوید همیشه مایل بود کارگردانی یک مجموعه یا برنامه نمایشی تلویزیونی را به عهده بگیرد.

تابستان گذشته «قطار اکسپرس چنای» این فیلمساز با بازی شاهرخ خان روی پرده سینماهای هند رفت و با فروش کلان خود، به سومین فیلم پرفروش کل تاریخ سینمای هند تبدیل شد. با توجه به فروش بالای فیلم‌های سینمایی شتی، منتقدان تلویزیونی پیش‌بینی می‌کنند برنامه تلویزیونی او هم با استقبال بالایی تماشاگران رسانه کوچک روبه‌رو شود.

و آفریقای جنوبی هم اهل هند هستند. شتی توضیح زیادی درباره این کار تلویزیونی خود نداده و رسانه‌های گروهی اطلاع زیادی درباره آن ندارند. تنها چیزی که تا به حال مشخص شده، این است که شتی پس از پایان فیلمبرداری در لوکیشن‌های آفریقای، اوایل ماه مارس به هند برمی‌گردد.

او در بازگشت به هند، کار فیلمبرداری قسمت دوم درام سیاسی و افشاگرانه خود «سینگهام» را با بازی آجی دیوگان جلوی دوربین می‌برد. به همین دلیل، این فیلمساز تا دو ماه دیگر پشت دوربین برنامه تلویزیونی خود قرار نخواهد گرفت. شتی هنوز صحنه‌های بمبئی و مالزی مجموعه تلویزیونی‌اش را فیلمبرداری نکرده است. این برنامه نمایشی تلویزیونی قرار است برای اواسط فصل تابستان آینده یا اوایل فصل پاییز، آماده پخش شود.



متفاوت در ایپزودهای مختلف آن، در نقش‌های واقعی خویش ظاهر می‌شوند. صحنه‌های این برنامه نمایشی (که به Realty Show معروف هستند) در بمبئی، آفریقای جنوبی و مالزی فیلمبرداری شده و می‌شود. شرکت‌کنندگان برنامه در دو کشور مالزی

روایت شتی، فیلمساز سرشناس سینمای هند، این روزها در آفریقای جنوبی مشغول تهیه و کارگردانی یک مجموعه تلویزیونی به نام «کاترون کی کیلاری» است. این برنامه تلویزیونی در رده کارهای نمایشی واقعی جای می‌گیرد که قصه درام ندارد و آدم‌های

قاپ‌تویید

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.